



عج

مهدوی

سالنامه



ویژه امام زمان

هشتاد و سومین شماره نشریه امان
دوماهنامه - ویژه اسفند ۱۴۰۲ و فروردین ماه ۱۴۰۳

در این شماره می خوانیم:

سلوک مهدوی | دلایل ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
دژ و یاقوت مهدوی | الزوم درس گرفتن از نیمه شعبان
اعتقاد به مهدویت | بصیرت اخلاقی در عصر ظهور
و



میلاد با سعادت امام زمان (عج)
بر تمام شیعیان جهان مبارک باد.

بسمه تعالی

نیمه شعبان، عید منتظران عدالت

عید میلاد مبارک و با سعادت و سرشار از امید و انتظار امام غایب و حجت الهی در زمین، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ... روز عید و جشن همه‌ی منتظران عالم و همه‌ی کسانی است که در اعماق جان خود، انتظار آزادی، عدالت، رهایی از ظلم، تعدی و طغیان را دارند.

سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.



دوماهنامه امان - شماره ۸۳

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرمدیر: حجت الاسلام محمد رضا نصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجبی شیرزی



دوماهنامه - ویژه اسفند ۱۴۰۲ و فروردین ماه ۱۴۰۳

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان - با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

شب نیمه شعبان، شب قدر است

شب نیمه‌ی [شعبان]، یک شب بسیار با عظمت است بعضی گفته‌اند شب قدر است. یادتان نگه دارید شب نیمه‌ی ماه شعبان را و با دعا، با توسّل، با ذکر، با یاد خدا طراوت ببخشید به جان خودتان؛ خواسته‌هایتان را با خدای متعال در میان بگذارید، با خدا حرف بزنید.

مسئله ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این جهت هم حائز اهمیت است که مسئله‌ی انتظار و دوران موعود را که در مذهب ما، بلکه در دین مقدّس اسلام ترسیم شده است دوران موعود آخرالزمان، دوران مهدویت، ما به یاد بیاوریم، روی آن تکیه کنیم و بر روی آن مطالعه و دقت و بحث‌های مفیدی انجام گیرد.

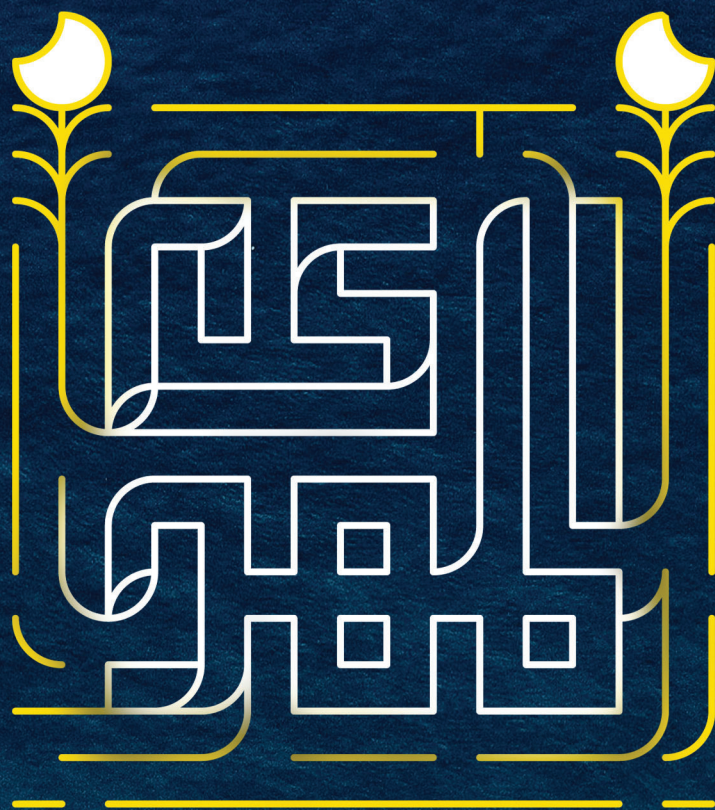


برای مشاهده کلیپ روز شکوفایی
آرزوها کد بالا را اسکن و یا روی آن
کلیک کنید

لزوم درس گرفتن از نیمه‌ی شعبان

**ایمان و عقیده‌ی قلبی به وجود منجی عالم،
شفابخش بیماری‌ها و دردهای معنوی**

این میلاد و این یاد بزرگ باید به ما درس بدهد. احساسات، بسیار خوب است؛ عواطف، پشتوانه‌ی بسیاری از اعمال نیکوی انسان‌هاست؛ ایمان و عقیده‌ی قلبی به وجود این منجی عظیم عالم، شفابخش بسیاری از بیماری‌ها و دردهای معنوی، روحی و اجتماعی است؛ ولی فراتر از همه‌ی اینها، ما باید از این یاد، از این خاطره و از این حادثه‌ی عظیم، درس بگیریم. هر سال این جشنها بر پا میشود و دلها را معطر میکند. اگر درسهای عمیقی که در تجدید این خاطره وجود دارد، برای رفتار ما و عمل ما بتواند یک آموزنده و معلم به حساب آید، یقیناً پیشرفت جامعه‌ی ما به سمت کمال، روان تر و سریع تر خواهد شد.
بیانات در نیمه شعبان سال ۱۳۷۹.



اعتقاد به مهدویت

امام هادی علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛
امام بعد از من، فرزندم «حسن» است و پس از حسن پسرش «قائم»، آن که زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه
که پر از جور و ستم شده باشد». (۱)

..... شرح حدیث

اعتقاد به مهدویت و منجی در آخر الزمان، در همه ی ادیان وجود دارد؛ لیکن در اسلام، این عقیده با وضوح و شفافیت
بیشتری مطرح است و مشخصات آن «مصلح جهانی» به دقت بیان شده است.

هم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آمدن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده است، هم امامان معصوم علیهم السلام (۲)

در این حدیث نیز، امام هادی علیه السلام، امام بعد از خود و امام دوازدهم را معرفی کرده است، تا شیعیان پیشوای حق را
بشناسند و پس از شهادت یک امام، در مرحله ی بعد دچار تردید و سرگردانی نشوند. این شیوه، در میان همه امامان
رایج بوده که قبل از وفاتشان، امام بعدی را معرفی می کردند.

ویژگی «عدالت گستری» در سطح جهان که برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح است، در روایات فراوانی آمده است و
این مژده، مستضعفان را به آینده ای روشن و امیدبخش برای بشریت ستمدیده، دلگرم و امیدوار می سازد.

طلوع می کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

تویی بهانه ی آن ابرها که می گیرند بیا که صاف شود این هوای بارانی

به امید روزی که آن آفتاب عدل و داد، بر بام جهان بتابد و زمین را از برکات وجودی اش سرشار سازد. (۳)

۱. اکمال الدین، ص ۳۸۳.

۲. منتخب الاثر

۳. حکمت های نقوی (ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام هادی علیه السلام).



در و یاقوت مهدوی

احادیث مهدوی از زبان اهل بیت علیهم السلام

امام باقر علیه السلام:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ
الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ
لَهُمْ؛

گویا یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب
عالم مسلط شده اند و هیچ چیزی نیست
مگر آن که از آنها فرمان می برد.
(کمال الدین، ص ۶۷۳)

امام صادق علیه السلام:

الْمُنْتَظَرُ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ بَيْنَ يَدَيِ
رَسُولِ اللَّهِ يَذُبُّ عَنْهُ؛

منتظر ظهور امام دوازدهم مانند کسی است
که در رکاب پیامبر خدا شمشیر کشیده است
و از ایشان دفاع می کند.
(کمال الدین، ص ۶۴۷)

امام صادق علیه السلام:

مَنْ آمَنَ بِنَا وَصَدَّقَ حَدِيثَنَا وَانْتَظَرَ أَمْرَنَا كَانَ
كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ
آن که به ما ایمان آورد و سخن ما را تصدیق
کند و منتظر امر [فرج] ما باشد، همچون
کسی است که زیر پرچم قائم به شهادت
برسد. (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۳۸)

امام علی علیه السلام:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِثْلُ مَنْ وَلَدَ فَاطِمَةَ؛

مهدی مردی است از ما، از نسل فاطمه.
(میزان الحکمة، ح ۱۱۶۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ
الدُّرِيِّ؛

مهدی مردی است از فرزندان من که چهره
اش چون اختر تابناک است.
(میزان الحکمة، ح ۱۱۶۴)

امام حسین علیه السلام:

إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ
آن گاه که برپا دارنده عدالت (امام مهدی علیه السلام) قیام کند، عدالتش نیکوکار
و بدکار را فرا گیرد. (المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۴)

امام حسین علیه السلام:

يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ
خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آن گاه او از ستم گران
انتقام می گیرد. (إثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۳۸)

امام صادق علیه السلام:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ
هر کس خوش دارد از یاران امام مهدی علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و
پارسایی پیشه کند. (الغیبة، نعمانی، ص ۲۰۰)

امام صادق علیه السلام:

تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلَكَ وَنَهَارَكَ
در شب و روزت منتظر فرج مولایت باش. (بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۹)

امام سجاد علیه السلام:

الْمُنْتَظَرُونَ لظهوره أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ
منتظران ظهور امام مهدی علیه السلام برترین اهل هر زمان اند.
(بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲)



سلوک مهدوی

(قسمت دوم)

حجت الاسلام جواد محدثی

..... دعا، عبادت، تهجد

اوج کمال انسان در بندگی و خاکساری در پیشگاه خداوند است. پیامبران و امامان که برترین انسان‌ها بودند، بیش از دیگران اهل نیایش و تهجد و شب‌زنده‌داری و نماز و عبادت بودند. پیروان راستین «خط انبیا علیهم‌السلام» نیز باید اینگونه باشند. منتظران واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم باید از این روحیه و اعمال برخوردار باشند تا محبوب خدا و رسول و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند، چرا که مولایشان هم اینگونه است.

در اوصاف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آنان شب‌زنده دارند، در نمازشان زمزمه‌ای دارند همچون صدای زنبوران در کندوها، شب‌ها به عبادت می‌ایستند و روزها سوار بر اسب‌ها (دنبال جهاد و تلاش) اند، زاهدان شب‌اند و شیران روز. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

این اوصاف، در مردان الهی دیده می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام، نمونه بارز این صفات است. امامان ما همه اهل دعا و تهجد و اشک و آه شبانه و تلاش روزانه بوده‌اند. سیره عبادی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، آکنده از عبادت‌ها و نمازها و سجودهای طولانی و قنوت‌های بلند است. عبادت با حال و با خضوع و خشوع و دور از کسالت و بی‌حالی و خالی از ریا و خودنمایی، انسان را محبوب خدا می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هرگاه خداوند، بنده‌ای را دوست داشته باشد، «عبادت نیکو» را به او الهام می‌کند. (غرر الحکم، حدیث ۴۰۶۶)

و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

برترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با آن هماغوش شود و عبادت را قلباً دوست بدارد و با جسم و بدن به آن بپردازد و خود را برای عبادت و پرستش، خالی و فارغ سازد و نسبت به سختی و راحتی دنیا بی‌خیال باشد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳)

کسی دوستدار عبادت می‌شود که عشق به خدا و آخرت داشته باشد و با معرفت و محبتی که نسبت به خدا دارد، از عبادت خویش لذت ببرد و شب از بستر نرم و گرم برخیزد و در حالی که دیگران در خواب ناز خفته‌اند، او به درگاه خدا بایستد و نماز بخواند و به سجود افتد و قرب و کمال جوید.

برخیز که عاشقان به شب راز کنند گرد برو بام دوست پرواز کنند

سستی در عبادت و نماز و بی‌حالی در دعا و نیایش، نشان ضعف ایمان است. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

افت عبادت، سستی و تنبلی است. (تحف العقول، ص ۶)
بخشی از اوقات روزانه یک مسلمان باید به ارتباط با پروردگار از طریق دعا و نماز و عبادت و تلاوت بگذرد.

کسی که شام و سحر بایستد و سجده در چاهای زسعادت به روی او باز است سرت به سجده و صورت به روی خاک گذار
هر آنکه پیش خدا خم شود، سرفراز است
حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز را یکی از راه‌های غلبه بر شیطان دانسته و می‌فرماید:

به هیچ چیز برتر از نماز، دماغ شیطان به خاک مالیده نمی‌شود. پس نماز بخوان و دماغ شیطان را به خاک بمال.

(موسوعة سيرة اهل البيت، ج ۳۵، ص ۸۵)
تقویت رابطه با خدا با نماز و عبادت، سلطه ابلیس را از بین می‌برد و ما را مصون می‌سازد.

..... تقوا و ترک گناه

بی شک مهم ترین صفت نجات بخش و قرب آفرین و بازدارنده از گناه، «تقوا» است و ارزش هرکس به پرهیزگاری اوست و قرآن هم گرمی ترین افراد را باتقواترین آنان می داند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳)

درباره معنای تقوا و اوصاف متقین و دستاوردهای متقی بودن و پاداش الهی برای اهل تقوا و نشانه های تقوا بسیار گفته و نوشته اند و حق هم همین است و آن چه زندگی انسان را خدا پسند و پیامبر پسند و امام زمان پسند می سازد، تقواست.

تقوا نتیجه خدانشناسی و ترس از عقوبت الهی بر گناهان و محبت به خداوند است. کسی که مدعی خدا و دوستی است، با بی تقوایی او را عصیان نمی کند. کسی که از کیفر قیامت و محاسبه الهی بیمناک است، تقوا را شعار خویش می سازد. کسی که خدا را همه جا و در همه حال، حاضر و ناظر ببیند و قدرت مطلقه پروردگار را بشناسد، با گناه کردن در برابر خدا طغیان نمی کند.

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود:

همانا تقوای الهی، کلید هر درستی و ذخیره روز قیامت و رهایی از هر بردگی و نجات از هر هلاکت است. (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳)

اهل تقوا، از کوچک و بزرگ گناه چشم می پوشند، چون می دانند گناهان کوچک هم که به چشم نمی آید، وقتی جمع شود، کوهی از مصیبت را تشکیل می دهد. و مگر نه اینکه کوه های عظیم، از سنگریزه های کوچک تشکیل شده است؟ مؤمن باید پیوسته حواسش جمع باشد که به گناه نیفتد. مثل کسی که در زمین پراز خار راه می رود، یا در مسیر پراز گل ولای قدم برمی دارد که باید مواظب باشد خاری به پایش نرود، یا لباسش آلوده نگردد.

خداوند، اهل تقوا را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران، آیه ۷۶) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هم می فرماید:

هرکس می خواهد عزیزترین مردم باشد، از خدای متعال پروا داشته باشد.

درباره تقوا و اوصاف متقین، احادیث فراوانی وجود دارد. یکی از خطبه های نهج البلاغه، خطبه متقین است که حضرت آن را در پاسخ به درخواست همّام (از اصحابش) بیان فرمود که ده ها صفت برای متقین برمی شمارد. در حدیثی امام باقر (علیه السلام) نشانه های اهل تقوا را چنین بیان می کند:

راستگویی، امانت داری، وفای به عهد، کمتر سراغ زنان رفتن، بخشش، اخلاق نیکو، حلم و بردباری، در پی دانشی رفتن که نزدیک کننده به خداست. (خصال، صدوق، ص ۴۸۳)

در قرآن هم فراوان از تقوا و متقین سخن گفته شده و اهل تقوا معرفی گشته است. در این مورد، سخن بسیار است. بحث را با توصیه هایی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به محمد بن ابراهیم مهزیار اهوازی فرمود به پایان می بریم:

یا محمد! اتَّقِ اللَّهَ؛
ای محمد، از خدا ترس!
در یکی از دعاها هم از خدا
چنین درخواست می کنیم:
اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و
بُعد المعصية...؛
خدا یا توفیق اطاعت و دوری از
گناه را به ما عطا کن.
که اگر چنین باشیم، به حیات
مطلوب امام زمان (علیه السلام) و مرضی
خدا دست یافته ایم. توصیه آن
حضرت به ما این است:
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ
إِلَيْنَا؛ (معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۷۹)
از خدا پروا کنید، تسلیم ما
باشید و کار را به ما برگردانید.
تسلیم ائمه (علیهم السلام) بودن و از
خط آنان عدول نکردن، جلوه
ای از تقوای الهی است.





قسمت اول

موانع فراروی مصلحان از دیدگاه قرآن وراهکارهای مقابله مهدویت با آن‌ها

حجت الاسلام محمد صابر جعفری، با اندکی تلخیص

روش‌های مبارزه کفار

کفار، برای مقابله با حق و ولی خدا، از روش‌های ذیل مدد می‌گیرند:

* مجادله و پرخاشگری

«تنها کسانی در آیات ما مجادله می‌کنند که کافر شده‌اند...» (غافر: ۴)

* بهانه‌گیری

«کسانی که کافر شدند می‌گویند:

چرا آیه [و معجزه‌ای از پروردگار]

بر او نازل نشده است». (رعد: ۲۷)

منکران، علت غیبت را که سزای از

اسرار الهی است یا طول عمر را که

مسأله‌ای است تحت سیطره قدرت

الهی، بهانه کرده، اصل مهدویت را

در دوران غیبت نمی‌پذیرند و پس

از ظهور، موضوعات دیگری را چون

ظهور حضرت با سن جوانی و ...

بهانه می‌کنند.

* تهمت به دین، ولی خدا و

مؤمنان

«...کافران می‌گویند: این‌ها فقط

افسانه‌های پیشینیان است!» (انعام: ۲۵)

«و اگر ما نوشته‌ای روی صفحه‌ای

بر تو نازل کنیم، و آن را با دست

های خود لمس کنند، باز کافران

می‌گویند: این، چیزی جز یک

سحر آشکار نیست» (انعام: ۷)

«چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها برابر آنچه در راه خدا به آنان رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند] و خداوند، شکیبایان را دوست دارد» (آل عمران: ۱۴۶)

با بررسی آیات قرآن درمی‌یابیم همیشه فراروی تمام پیامبران و مصلحان، موانعی جدی بوده است. قرآن همچون آینه‌ای برای خردورزان و اهل بصیرت، به خوبی نمایانگر رفتارها و واکنش‌های اصناف مختلف مخالفان در رویارویی با پیامبران و مصلحان است. صدها آیه، بیانگر معرفی مخالفان، تبیین ریشه‌ها، مخالفت‌ها، انکارها و عداوت‌ها، روش‌ها و شیوه‌های مخالفان، عملکرد مصلحان، هدایت‌های الهی و بالأخره عاقبت و نهایت، پیروزی مصلحان و مؤمنان می‌باشد.

گروه‌های معاند و موانع از منظر قرآن

يك. کافران

قرآن کریم کفار را معاندانی معرفی می‌کند که حق را به خوبی می‌شناسند؛ ولی از روی عمد، به مبارزه برخاسته و نمی‌خواهند ایمان و مسیر حق را بپذیرا شوند.

آنان، دایماً در فکر توطیه و مبارزه با انبیاء و صالحان هستند:

«کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتاب‌های دیگری که پیش از آن

بوده است، ایمان نخواهیم آورد!»؛ (سبا: ۳۱)

«و [آن‌ها بقدری لجوجند که] اگر تمام نشانه‌های حق را ببینند، ایمان نمی

آورند»؛ (انعام: ۲۵)

لذا خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند، برایشان مساوی است که آنان را بت‌رسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد» (بقره: ۱۷۰)

چرا که این افراد، خود می‌گویند: «و گفتند: دل‌های ما در غلاف است؛ بلکه خداوند آن‌ها را به سبب کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است [به همین

دلیل، چیزی درک نمی‌کنند] و کمتر ایمان می‌آورند». (بقره: ۸۸)

این‌ها اگر تمام آیات و نشانه‌های الهی را ببینند و حس هم کنند باز انکار

می‌کنند. (انعام: ۷ و ۲۵)

* استهزاء و تمسخر

«هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزاء کردن تو ندارند [و می گویند]: «آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟» در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند». انبیاء: ۳۶

* تلاش برای برگرداندن افراد به کفر

کافران دوست دارند دیگران، مانند خودشان کافر باشند؛ لذا از هر وسیله ای مدد می گیرند. «و کافران به مؤمنان گفتند: شما از راه ما پیروی کنید [و اگر گناهی دارد] ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت. آنان هرگز چیزی از گناهان این ها را بر دوش نخواهند گرفت. آنان به یقین دروغگو هستند». عنکبوت: ۱۲

* جلوگیری از راه خدا

دشمنانِ عنودِ راه حق، با تمام نیرو و توانِ فکری و مالی و ... شبانه روز و خستگی ناپذیر، مانع هدایت می شوند. «کسانی که کافر شدند، و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده اند». نساء: ۱۶۷
«آن ها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن [مردم] از راه خدا خرج می کنند». انفال: ۳۶

* تهدید به تبعید و ...

«کافران به پیامبران خود گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد؛ مگر این که به آیین ما بازگردید؛ پس پروردگارشان به آن ها وحی فرستاد که ما ظالمان را هلاک می کنیم». ابراهیم: ۱۳

* جنگ و کشتن مؤمنان و ولی خدا

کافران، چون در مسیر طاغوت و شیطانند و شیطان، سرپرست آن ها است، در کنار انواع توطئه ها، به مبارزه و جنگ و ستیز هم روی آورده و پیامبران و اولیای زیادی را در طول تاریخ به شهادت رسانده اند. «کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را ناحق می کشند و مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، آنان را به کیفر دردناک بشارت ده». آل عمران: ۲۱
از این رو است که ترس از قتل و حفظ از کشته شدن، یکی از حکمت های غیبت حضرت مهدی علیه السلام، است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مهدی را غیبتی است پیش از آن که قیام کند. سؤال شد: چرا؟ حضرت فرمود: به دلیل خوف از کشته شدن... و با دست به شکمش اشاره کرد». (کافی، ج ۱، ص ۳۳۷)

این آیات، نمونه هایی از رفتار کفاری است که نمی خواهند سخن حق را بپذیرند؛ چقدر پیامبران و مصلحان، در قبال این گروه به سختی افتاده اند.

حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بلکه این ماجرا برای او جدی تر خواهد بود؛ چون جنگ تمام حق و باطل، جنگ تمام دین و کفر و ایمان و شیطان است. این مبارزه، در دو عرصه است؛ دوران پیش از ولادت حضرت و در عرصه دوم نیز پس از ولادت، به دنبال به شهادت رساندن آن وجود نازنین بوده و هستند. اعزام جاسوسان و کنترل شدید امام عسکری علیه السلام و منزل آن حضرت هنگام حیات و پس از شهادت، گواهی بر این مطلب است.

در روایات آمده است مهدی علیه السلام را غیبتی است تا آن جا که جاهل می گوید: خداوند را نیازی به آل محمد علیهم السلام نیست. (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۲)

مبارزه پیامبران

مناسب است رفتاری را که پیامبران و مصلحان و مؤمنان، باید در قبال این گروه پیشه کنند نیز از دیدگاه قرآن بررسی کنیم.

یک. پذیرفتن توبه نادمان

اگر کافران، اصلاح شوند و از مخالفت باز ایستند، گذشته آن ها بخشیده می شود و گرنه نابود می گردند: «به آن ها که کافر شدند بگو: چنانچه از مخالفت باز ایستند، گذشته آن ها بخشوده خواهد شد و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آن ها جاری می شود»

(انفال: ۳۸)

لذا بسیاری از کافران که عناد ندارند، حق را می پذیرند.

هنگام ظهور نیز حضرت مهدی علیه السلام اهل کفر را به حق دعوت می کند؛ آنان که لجابت ندارند، پذیرای سخنان او می شوند و امام به آنان حیات و زندگی می بخشد.

امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۱۷ حدید؛ «آگاه باشید خداوند زمین را پس از مرگش دوباره زنده می کند»،

فرمود: خداوند، به دست حضرت مهدی کافران را به وسیله ایمان زنده می کند؛ چون کافر در واقع مرده است و حیاتی ندارد.

(کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸)



پایان کفار

کافران، هر چه تلاش کنند و مکر به کار گیرند، به نتیجه نخواهند رسید. در دنیا دچار ذلت و مسکنت و در آخرت، عذاب بزرگی منتظر آنان است.

«آن‌ها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن از راه خدا خرج می‌کنند؛ آنان این اموال را مصرف می‌کنند؛ اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد و کافران، همگی به سوی دوزخ، گردآوری خواهند شد»

انفال: ۳۶

و بالأخره با آمدن آخرین وصی رسول خدا ﷺ و عصا ره تمام انبیاء و اوصیاء (مظهر تمام پیامبران الهی)، کفر و پیشوایان آن نابود می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «لَوْ تَزِيلُوا الْعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح: ۲۵) فرمود:

چون در اصلاّب کافران و منافقان، مؤمنانی وجود داشته‌اند، حضرت علی علیه السلام آنان را به قتل نرساند، تا این ودیعه‌ها و نسل‌ها بروز یابد و آن روز که چنین شد، حضرت مهدی علیه السلام کفار و منافقان را نابود خواهد کرد. آن روز، سنگ‌ها به سخن درآمدند، مهدی علیه السلام و یارانش را ندا می‌دهند که این‌جا کافر و منافقی مأوا گزیده است و آنان به محکمه و داوری ولی خدا سپرده می‌شوند.

کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰

ادامه دارد

دو. خلل ناپذیری پیامبران و مصلحان الهی

اگر همه مردم کافر شوند، در مسیر ولی خدا، هیچ خللی پدید نمی‌آید: «و موسی گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، [به خدا زیانی نمی‌رسد؛ چرا که] خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است» ابراهیم: ۸

سه. نباید با دشمن، دوستی برقرار کرد

«وَدُّوا لَوْ تُكْفِرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُوا سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ...؛ آنان آرزو می‌کنند شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید؛ بنابر این از آن‌ها دوستانی انتخاب نکنید...» نساء: ۸۹، «لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ از میان آن‌ها، دوست و یاور و اختیار نکنید»، نساء: ۸۹، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید...». ممتحنه: ۱

چهار. باید با آنان، به شدت برخورد کرد

از آن جا که کافران به سبب کفر عامدانه از رحمت خدا دورند، پیامبر باید با آنان شدید برخورد کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند، برابر کفار، سرسخت و شدید و میان خود، مهربانند»، فتح: ۲۹، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ...؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت بگیر...». توبه: ۷۳

پنج. سران فتنه و کفر را باید نابود کرد

چرا که جز فتنه و توطیه مسیری ندارند. و برای هیچ عهد و پیمانی، حرمتی قایل نیستند

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ؛ و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آن‌ها پیمانی ندارند. شاید [با شدت عمل] دست بردارند» توبه: ۱۲



حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

آستانه‌ی عسکریین علیهم‌السلام

شیخ صدوق، این حادثه بزرگ را از زبان آن بانوی بزرگ چنین آورده است:

حکیمه دختر امام جواد علیه‌السلام گوید: امام عسکری علیه‌السلام مرا به نزد خود فرا خواند. و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش! که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را که حجت او در روی زمین است - ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می‌گویم. گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم، نرجس آمد کفش مرا بر دارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای متعال امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. گوید: نرجس خجالت کشید و حیاء کرد...

(کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱)

محل خاک سپاری پدر بزرگ، پدر و مادر حضرت مهدی علیه‌السلام

آستانه عسکریین علیه‌السلام در شهر سامرا در ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد و در شرق دجله قرار دارد. محل دفن امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام، جد و پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز مقبره نرجس خاتون مادر ایشان و حکیمه خاتون عمه پدر آن حضرت، آن جا قرار دارد. در ضلع غربی آستانه، سرداب معروف به «غیبه‌المهدی»، محل پنهان شدن حضرت مهدی علیه‌السلام واقع شده است.

شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر دارند که امام هادی علیه‌السلام پس از شهادت، در خانه خود به خاک سپرده شد. پیکر مطهر امام عسکری علیه‌السلام نیز پس از شهادت، در کنار مرقد مطهر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.

از آن جا که اطراف آن پادگان نظامی بود، شیعیان و دوستداران خاندان عصمت و طهارت، پنهانی به زیارت آن دو امام می‌شتافتند. این بارگاه ملکوتی، در طول تاریخ، کانون توجه و علاقه دوستداران خاندان وحی بوده و هم اکنون نیز یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان و هزاران عاشق شیفته است.

این مضجع شریف، در سال ۱۳۸۵ ه.ش با انفجاری بزرگ به دست دشمنان پلید مکتب اهل بیت علیهم‌السلام تخریب شد و دل‌های شیعیان را غرق حسرت زیارت و اندوه این مصیبت کرد. باشد که خشم الهی به زودی با قیام آخرین حجت الهی، انتقام مظلومیت انسان‌های صالح را از ستم‌پیشگان بستاند.

حکیمه خاتون

عمه پدر امام زمان علیه‌السلام و شاهد ولادت آن حضرت

حکیمه، دختر امام جواد علیه‌السلام، خواهر امام هادی علیه‌السلام و عمه امام عسکری علیه‌السلام، یکی از بانوان نقش‌آفرین در تاریخ پرافتخار شیعه است.

از روایات اسلامی به روشنی استفاده می‌شود که مادر حضرت مهدی علیه‌السلام آموزه‌های دینی را در مکتب این بانوی بزرگوار فرا گرفته است. وی نخستین بانویی است که جمال دل‌آرای پیشوای آخرین را مشاهده کرده، یگانه روایتگری است که حکایت آن تولد منجی موعود را به تفصیل گزارش کرده است.

ادعیه مهدوی

..... دعای سمات

دعای عصر جمعه منسوب به ناحیه مقدسه

این دعا از عمری نقل شده است؛ اما به دلیل جایگاه او که نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است می توان نسبت این دعا به آن حضرت را قوی دانست.

شیخ طوسی در مصباح المتهجد با عنوان «دعاء السمات مروی عن العمری یستحب الدعاء به آخر ساعة من نهار یوم الجمعة» آورده است. در آغاز این دعا چنین می خوانیم:

اللهم انی اسألك باسمک العظیم الاعظم....

..... دعای افتتاح

از دعاهاى شب های ماه رمضان صادر شده از ناحیه مقدسه وسیله ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است؛ چنان که علامه مجلسی گفته است: به سند معتبر از حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است که به شیعیان نوشتند: «در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملایکه می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند....»

نام این دعای شریف از جمله اول آن (اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ) گرفته شده است. مضامین بلند خداشناسی و ستایش و ثنای الهی و برشمردن صفات خداوند. به ویژه مهربانی کامل و بی نظیر هنگام عفو و گذشت، و شدت کیفر و عقوبت هنگام حساب رسی و نقامت. و بعضی از علل تأخیر استجابت دعا و بیان مهم ترین نعمت های الهی، سرآغاز این دعای شریف است. سپس درود و صلوات مخصوص بر پیامبر و آل او علیهم السلام با ذکر نام و القاب ایشان، آن گاه دعا برای قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اظهار اشتیاق برای برقراری دولت کریمه ای که اسلام و اهل اسلام در آن، عزت یابند و نفاق و منافقان، خوار و زیون گردند و ما از داعیان آن دولت باشیم که دیگران را به اطاعت الهی فراخوانیم و به راه خداوند راهبری کنیم. پایان دعا شکوه ای به درگاه خداوند است از فقدان پیامبر و غیبت امام و بسیاری دشمن، و کمی تعداد و فتنه های شدید، و پس از آن فتح و گشایش از او درخواست می شود.

سلاح دعا

در دستان مبارک ائمه علیهم السلام

قسمت دوم

آموزه‌ها و پیام‌ها

در این جملات امام سجاد علیه السلام اوصافی برمی‌شمارند؛ که چنین جایگاهی جز بر اهل بیت علیهم السلام قابل تطبیق نیست. آن حضرت این جایگاه والا را این‌گونه ترسیم کرده است:

مقام عصمت و طهارت؛

«طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالْذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ»

انسان کامل کسی است که در تمامی شئون زندگی کامل باشد و از هر عیب و نقص و آلودگی ظاهری و باطنی پاک باشد. چنین شخصی الگوی بشریت بوده و تبعیت از او رشد و تعالی بشر را به دنبال دارد. تضمین دهنده طهارت تنها خداوند است که در آیه تطهیر این تضمین را در حق اهل بیت علیهم السلام استوار کرده است و از میان اهل بیت علیهم السلام به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام، رسالت تطهیر جهان از ظلم و جور را به عهده دارد.

امامان علیهم السلام به دلیل جو سیاسی عصر خود، بسیاری از مسائل مهم اعتقادی، معارف عالی، حقایق معنوی و آموزه‌های دینی را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده و اسرار و حقایق فراوانی را در دعاها و زیارت‌ها گنجانده‌اند. ایشان در قالب دعاها و زیارات، به بیان بسیاری از مسائلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد پرداخته‌اند و به جامعه‌ی بشری بهترین درس‌های زندگی را داده‌اند. نمونه‌ی این حقیقت، «صحیفه‌ی سجادیه» امام‌زین‌العابدین علیه السلام است که حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. بررسی موضوع مهدویت در صحیفه‌ی سجادیه مقدماتی دارد که به برخی از آن در شماره قبل به صورت مختصر اشاره شد. در ادامه به تکمیل مباحث گذشته می‌پردازیم:

گام چهارم: تبیین جایگاه امامت اهل بیت علیهم السلام

از جمله موضوعاتی که امام سجاد علیه السلام در ادعیه خود به آن پرداخته، موضوع جایگاه امامت و پیشوایی اهل بیت علیهم السلام است. در بخشی از دعای عرفه چنین آمده است: «رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالْذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ؛ پروردگارا! بر پاکان اهل بیت پیامبر درود فرست، همانانی که برای امر خود برگزیدی و آنان را ذخیره‌گاه دانش خودت و حافظان دینت و جانشینانت در زمین قرار دادی و آنان را به اراده‌ات از پلیدی‌ها پاکیزه کردی و آنان را وسیله به سوی خود و مسیر به سوی بهشت قرار دادی». (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)



خدایا، این جایگاه جانشینان و برگزیدگان توست و جایگاه بلند امینان تو که آنان را بدان مخصوص گردانیدی که دیگران آن را ربودند و این تقدیر توست و فرمان تو مغلوب نمی شود و از تدبیر محتومت، به هر گونه که بخواهی و هر جا که بخواهی، کس را یارای گذر از آن نیست و تو به هر کاری که کنی داناتری و در آفرینش و اراده‌ی خود متهم نیستی:

جمله‌ی «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ» که در ضمن سخن و دعای حضرت آمده است، اشاره به موقعیت روز عید قربان و جمعه است که ایراد خطبه و بیان مسائل اساسی و تعیین مسیر جامعه و ارشاد مردم، از مسئولیت‌های امام و خلیفه خداوند در زمین دانسته شده است.

وقتی مقام نماز عید و جمعه از آن خلفای الهی است، آیا پذیرفتنی است که صدها عید و جمعه بیاید و خداوند برای این سمت کسی را نداشته باشد؟ البته ممکن است خلیفه‌ی الهی حضور داشته باشد، ولی مقام او غصب شده باشد، چنانکه امام سجاد (ع) در ادامه‌ی دعایین مطلب را بیان فرموده‌اند:

حَتَّىٰ عَادَ صَفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِّينَ؛
پس برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور شدند و حقشان از دستانشان خارج شد.

برگزیدگی برای امر پروردگار؛ «الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لَأَمْرِكَ»

بر مبنای آموزه‌های اعتقادی تشیع، تعیین و تشخیص امام معصوم به دست خداوند صورت می‌گیرد و برای فرد یا گروهی بدون دخالت خدا امکان آن وجود ندارد، چون تنها خداوند است که به نهان خانه‌ی قلب‌ها آگاهی دارد. انسانی که مورد انتخاب پروردگار واقع می‌شود، زمینه‌ی این گزینش را در خود ایجاد نموده است و از این جهت است که این برگزیدگی بر مبنای حکمت و علم خداوند صورت گرفته است.

ذخیره‌گاه علم الهی؛ «جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ»

علمی که در اختیار اهل بیت (ع) قرار دارد، از جنس دانش بشری نیست تا اکتسابی باشد، بلکه علمی است که از جانب خالق بشر بوده و تنها در اختیار برگزیدگان خداوند قرار می‌گیرد و هر آن کس که می‌خواهد از این علم بهره ببرد، باید به مخازن این علم در بین بشر، یعنی اهل بیت (ع) مراجعه نماید.

حافظان دین خداوند؛ «حَفَظْتَ دِينَكَ»

مقام محافظ دین بودن، عالی‌ترین درجه‌ی آن شأن اهل بیت (ع) است و هر کسی می‌خواهد به مرتبه‌ای از این مقام دسترسی پیدا کند، باید در مسیر پیروی از اهل بیت (ع) حرکت کند.

جانشینان خداوند بر روی زمین؛ «خُلَفَاءُكَ فِي أَرْضِكَ»

مقام خلیفه الهی اهل بیت (ع) محصور به منطقه‌ی خاصی از زمین یا گروه خاصی از افراد کمره‌ی زمین نیست، بلکه سلطه‌ی آن‌ها بر کل زمین و برای تمام عالمیان است.

حجت‌های الهی بر بندگان؛ «حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ»

با وجود اهل بیت (ع)، حجت بر تمامی بندگان تمام است و برای هیچ کس عذری در پیشگاه خداوند متعال پذیرفته نیست. در دل این معنای از حجت بودن اهل بیت (ع)، ضرورت وجود امام در هر زمان و خالی نبودن زمین از حجت نهفته شده است.

وسایل تقرب به خداوند؛ «جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ»

امکان ندارد بدون وسیله و یا واسطه به خدا رسید و به سوی او تقرب جست. اهل بیت (ع) به عنوان وسیله‌های تقرب و حبل و ریسمان‌های الهی هستند که تمسک به آن‌ها، از ناحیه‌ی خداوند بر انسان‌ها واجب شده است.

راه رسیدن به بهشت خداوند؛ «الْمَسْلُكُ إِلَى جَنَّتِكَ»

از بهشت تعبیر به رضوان الهی می‌شود و یکی از معانی رضوان، رضایت الهی است، بنابر این تنها راه به دست آوردن رضایت الهی و بهشتی شدن، از طریق اهل بیت (ع) است که این فراز از دعا به آن اشاره دارد.

ناگفته نماند که مقامات زیادی برای اهل بیت (ع) در قالب صلوات بر آن‌ها ترسیم شده است که به نوشتاری جداگانه برای شمارش آن‌ها نیاز است. همچنین در دعای حضرت در روز عید قربان و روز جمعه، به صورت خاص به مقام امامت در نماز جمعه و نماز عید اشاره می‌شود که تنها مصداقی از مقامات اهل بیت (ع) می‌باشد:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَمَوَاضِعَ أُمَنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرُوهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لَذَلِكَ، لَا يَغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يَجَاوِزُ الْمُخْتَوَمُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ؛ (صحیفه سجاده‌یه، دعای ۴۸)



دلایل ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

و نیز قندوزی از مناقب خوارزمی از سلمان فارسی رضی الله عنه نقل می‌کند: بر رسول خدا وارد شدم، در حالی که حسین بن علی علیه السلام بر ران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود و پیامبر چشمان و دهان وی رامی‌بوسید و می‌فرمود:

«تو سروری و فرزند و برادر سرور، تو امامی و فرزند و برادر امام، تو حجتی و پدر حجت، تو پدر نه حجتی که نهمین آنان قائم‌شان خواهد بود». [۲] مجموعاً بیش از ۲۴۰ حدیث که دلالت صریح دارد بر این که مهدی علیه السلام دوازدهمین امام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است در کتب متعدد روایی نقل شده که قسمت عمده آن صحیح و معتبر می‌باشد. [۳]

دو. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: از ما (اهل بیت) دوازده (امام و) محدث خواهد بود که هفتمین فرزندم قائم آنان است...» [۴] بالغ بر صد و سه حدیث دلالت بر این معنا دارد. [۵]

سه. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ششمین فرزندم که دوازدهمین امام از ائمه دوازده‌گانه که اول‌شان علی بن ابی طالب و آخر آنها قائم بالحق و بقیة الله و صاحب الزمان است، غائب خواهد شد. او از دنیا نخواهد رفت تا این که ظهور کند و زمین را آکنده از عدل نماید همان گونه که پر از جور و ستم شده است». [۶]

همچنین یاسند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «در صاحب این امر (مهدی) شباهتی به یوسف علیه السلام وجود دارد... چگونه این امت انکار می‌کنند که خدا با حجت خود مانند یوسف معامله کند؛ در بازارهای شان راه رود و بر زمین ایشان قدم زند، تا آنکه خداوند وعده خود را در مورد وی محقق سازد، همان گونه که درباره یوسف انجام داد که برادرانش گفتند: آیا تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم». [۷]

وجود نازنین امام عصر علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است و روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام آن را ثابت می‌کند. و نیز دلایل تاریخی بر ولادت آن حضرت وجود دارد.

برای اثبات ولادت هر فردی نخست با اقرار و اعلام پدر وی و شهادت دادن قابل‌ه ای صورت می‌پذیرد که در به دنیا آمدن نوزاد، مددکار مادر بوده است. هر چند هیچ‌کس غیر از این دو او را مشاهده نکرده باشد، چه رسد به این که صدها تن دیگر نیز وی را دیده باشند و تاریخ نگاران به ولادت او اعتراف کرده و متخصصان «علم الانساب» به نسب شریفش تصریح کرده باشند و خود وی به اموری مبادرت ورزیده باشد که نزدیکانش به آنها وقوف یافته‌اند. دانشمندان شیعه نیز بر اساس وجود دلایل و نشانه‌های تاریخی و منابع روایی، کتاب‌های متعددی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اینکه آن حضرت پسر کیست و چگونه به دنیا آمده نوشته‌اند.

دلایل روایی بر این که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است: **یک.** از سلمان فارسی و ابوسعید خدری و ابویوب انصاری و ابن عباس و علی هلالی با الفاظ متفاوت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: «ای فاطمه به ما اهل بیت شش خصلت داده شده که به هیچ‌یک از اولین داده نشده و هیچ یک از آخرین هم آن را دریافت نخواهد کرد، مگر ما خاندان... و مهدی این امت که عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، از ماست»، سپس بر شانه حسین علیه السلام زدند و فرمودند: «مهدی امت از نسل این خواهد بود». [۸]

دلایل تاریخی

بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام

الف) تصریح امام عسکری علیه السلام به ولادت فرزندش مهدی علیه السلام:

در روایت صحیح از محمد بن یحیی العطاری از احمد بن اسحاق از ابو هاشم جعفری، چنین نقل شده است: به ابو محمد (امام حسن عسکری) عرض کردم: شخصیت شما مرا از سؤال کردن باز می‌دارد، آیا اجازه می‌فرمائید که از شما سؤال کنم؟ فرمود: «پرس» عرض کردم: آقای من، آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: «آری» عرض کردم: اگر برای شما حادثه‌ای رخ داد در کجاسراغ اوروم؟ فرمود: «مدینه». [۱۹]

ب) شهادت دادن قابله به ولادت امام مهدی علیه السلام:

قابله بزرگوار و شریف آن حضرت، حکیمه خاتون خواهر امام هادی علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام بود که در هنگام ولادت به جناب نرجس خاتون مادر امام مهدی علیه السلام رسیدگی کرد. شکی نیست که در ولادت امام عصر علیه السلام نکات غیرعادی وجود دارد و برای حکیمه خاتون که یک بانوی معتقد بود نیز موجب ایجاد سؤال شده، اما در خود همین روایات که از حکیمه خاتون نقل شده پاسخ داده شده و کاملاً روشنگری شده است، چنانکه امام عسکری علیه السلام در پاسخ به این سؤال او که گفت من آثار بارداری را در نرجس خاتون نمی‌بینم فرمود: «مثل او مثل مادر موسی علیه السلام است که آثار بارداری در او ظاهر نگشت و کسی تا وقت ولادتش از آن آگاه نشد؛ زیرا فرعون در جست و جوی موسی، شکم زنان باردار را می‌شکافت و این نیز نظیر موسی علیه السلام است». [۲۰]

بیش از هشتاد روایت دلالت بر این مطلب دارد. [۸]

چهار. از امام کاظم علیه السلام نقل شده که در پاسخ یونس بن عبدالرحمن که از آن حضرت پرسید آیا شما قائم بالحق هستید؟

فرمود: من قائم بالحق هستم و لکن آن قائمی که (منظور شما است یعنی مهدی که) زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می‌گرداند و آن را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ستم و جور پر شده است، او پنجمین فرزند من می‌باشد که غیبت طولانی خواهد داشت... که در این غیبت طولانی گروه‌ها و اقوامی گرفتار ارتداد شده و عده‌ای نیز ثابت قدم می‌مانند... [۹]

بیش از نود و پنج روایت در این باره وارد شده است. [۱۰]

پنج. از امام رضا علیه السلام نقل شده که در پاسخ به این سؤال که قائم (مهدی) از شما اهل بیت کیست؟ فرمود: چهارمین فرزندم، فرزند سرور کنیزان، که خداوند به واسطه او زمین را از جور و ظلم پاک خواهد کرد. و اوست کسی که مردم در ولادت او شک خواهند کرد... [۱۱] بیش از نود روایت تصریح به این معنا دارد. [۱۲]

شش. از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: (قائم) سومین فرزند من است. [۱۳] و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: امام بعد از من فرزندم علی است که امر او امر من است و قول او قول من و طاعت او طاعت من است. راوی می‌گوید سپس امام ساکت ماند، از او پرسیدم ای فرزند رسول خدا، امام بعد از فرزندت علی کیست؟ فرمود: فرزندش حسن. راوی می‌گوید: از او پرسیدم امام بعد از حسن کیست؟ امام جواد علیه السلام گریه شدید کرد و سپس فرمود: «به درستی که امام بعد از حسن، فرزندش قائم به حق و منتظر است. راوی می‌گوید به امام علیه السلام عرض کردم ای فرزند رسول خدا، چرا او را قائم می‌نامند؟ فرمود: به خاطر اینکه قیام می‌کند بعد از فراموش شدن یادش و مرتد شدن بیشتر کسانی که قائل به امامت او بودند. راوی می‌پرسد: چرا او را منتظر می‌گویند؟ فرمود: چون او دارای غیبت طولانی خواهد بود که مخلصین انتظار ظهورش را می‌کشند و اهل تردید و شک منکر وجود او می‌شوند و معاندین و انکار کنندگان (حق) اعتقاد به او و غیبت او را به مسخره می‌گیرند... [۱۴]

حدوداً هفتاد حدیث بر این معنا دلالت دارد. [۱۵]

هفت. از امام علی بن محمد الهادی علیه السلام نقل شده که فرمود: امام بعد از من فرزندم حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است همان کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و ستم پر شده است. [۱۶]

بیش از هشتاد روایت به الفاظ و مضامین مختلف بر این مطلب دلالت تفصیلی یا اجمالی دارد. [۱۷]

هشت. بیش از صد و چهل روایت دلالت دارد که امام مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است و دوازدهمین امام شیعیان. قندوزی حنفی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: امام پس از من فرزندم محمد و بعد از محمد فرزندش علی و بعد از علی فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است... [۱۸]

توقیعات واحادیث

امام مهدی علیه السلام دلیل ولادت آن حضرت

روایات و توقیعات امام مهدی علیه السلام دلیل دیگری بر ولادت آن حضرت است. تعلیمات و سفارش و راهنمایی‌ها و نصیحت‌ها و نامه‌ها و توقیعات و دعاها و سخنان مشهور و اخبار منقولی که از ایشان صادر شده است همچنین وکیلان وی از صلحا و اوتاد و معروف بودن سفیران او دلیل روشن بر این است که آن حضرت فرزند امام حسن عسکری است. و به شهادت مسلم تاریخ، اینکه حکام وقت برای دست گیری و بازداشت او تمام تلاش و سعی خود را به کار گرفته‌اند خود دلیل دیگری است بر اینکه آن حضرت به عنوان فرزند امام حسن علیه السلام متولد گردیده است. در مسئله مهدویت باید به روایات منقول از اهل بیت و تاریخ مسلم درباره امام مهدی علیه السلام رجوع شود و دلیلی نداریم که در این موضوع بدون دلیل سخنان مخالفان را بپذیریم.



ج) یاران و اصحاب ائمه علیهم السلام که به دیدار امام مهدی علیه السلام شهادت داده‌اند: عده‌ای از اصحاب امام عسکری علیه السلام و پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام در زمان حیات امام عسکری، به زیارت امام مهدی علیه السلام نائل شده و به اذن ایشان بدین مطلب شهادت داده‌اند، همچنان که گروه دیگری به ملاقات با امام پس از حیات امام عسکری علیه السلام نیز شهادت داده‌اند که در دوران غیبت صغری (یعنی سال‌های ۲۶۰ هجری تا ۳۲۹ هجری) اتفاق افتاده است. از آنجا که تعداد این شاهدان زیاد است از ذکر نام و تفصیل آن خودداری می‌شود و برای مطالعه و اطلاع، به کتاب‌های در انتظار ققنوس، موعود ادیان و کتب دیگر رجوع شود.

د) شهادت خدمه و کنیزان و غلامان به رؤیت امام مهدی علیه السلام: افرادی که در خانه امام عسکری علیه السلام مشغول خدمت بودند به همراه برخی کنیزان، از جمله کسانی بودند که امام مهدی علیه السلام را ملاقات کردند، مانند خدمت کار منزل طریف خادم، [۲۱] و خادمه ابراهیم بن عبده نیشابوری که همراه آقای خود، به زیارت چهره مبارک امام نائل گشت. [۲۲] و ابوالادیان خادم [۲۳] و ابوغانم که می‌گوید: خداوند به ابومحمد عسکری علیه السلام پسری عطا فرمود که نامش را محمد گذارد و سه روز پس از ولادتش طفل را به اصحاب و یاران خود نشان داد و فرمود: «این ولی امر شما پس از من است، او خلیفه من بر شماست او همان کسی است که گردن‌ها در انتظار او کشیده خواهد شد و هنگامی که زمین از ظلم و ستم پرگردد، او قیام کرده و آن را از عدل و داد پر خواهد کرد». [۲۴]

اعتراف تبارشناسان به ولادت امام مهدی علیه السلام

از جمله مسائلی که بدیهی به شمار می‌رود، ضرورت مراجعه به متخصصان و خبرگان فن در هر حرفه است و در مورد بحث ولادت امام مهدی علیه السلام نیز قاعدتاً علمای انساب بهتر از دیگران حق اظهار نظر دارند.

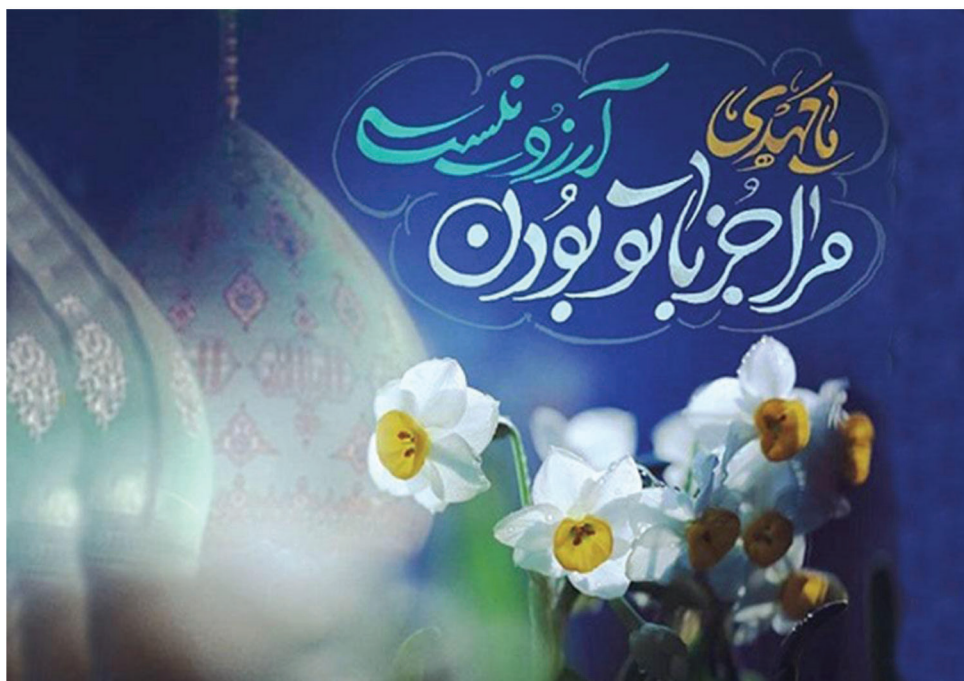
نسابه شهیر ابو نصر سهل بن عبدالله داود بن سلیمان بخاری؛ وی که از بزرگان قرن چهارم هجری بوده در سال ۳۴۱ هجری در قید حیات به سر می‌برده و از مشهورترین علمای انساب معاصر با غیبت صغرای امام مهدی علیه السلام است. وی در این زمینه می‌گوید: علی بن محمد التقی، دارای فرزندی به نام حسن بن علی عسکری شد از ام ولد نوپیه به نام ریحانه که این فرزند ولادتش به سال ۳۳۱ هجری واقع گشت و وفاتش در سال ۲۶۰ هجری در ۲۹ سالگی در سامرا اتفاق افتاد و علی بن محمد تقی دارای فرزندی به نام جعفر شد که شیعه او را جعفر کذاب می‌خوانند. به جهت آن که خود را وارث برادرش حسن بن علی عسکری می‌دانست و فرزند برادرش (یعنی حجت قائم) را وارث او نمی‌شمرد، باری ابهام و اشکالی در نسب وی وجود ندارد. [۲۵]

سید عمری نسابه معروف قرن پنجم هجری چنین می‌نویسد: ابو محمد (امام عسکری) وفات یافت و پسرش از نرجس در نزد اصحاب خاص و معتمدین اطرافیان‌ش معلوم و مشخص بود... [۲۶]

و نیز نسابه‌های معروف دیگر مانند: مروزی ازور قافی، و سید نسابه جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنبه، و نسابه زیدی سید ابوالحسن یمانی صنعانی، و محمد امین سوئدی و دیگران که بر اساس تخصص‌شان، تصریح به این امر کرده‌اند.

منابع

۱. در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه: مهدی علی‌زاده، ص ۱۳۵، به نقل از: البیان، کنجی، ص ۵۰۱؛ الفصول المهمه، ابن صباغ، فصل، ۱۲۰، ص ۲۹۵.
۲. همان، ص ۱۳۷، به نقل از ینابیع الموده قندوزی، ج ۳، ص ۱۶۸، باب ۱۹۴.
۳. منتخب الاثر، آیت الله صافی، باب ۶ و ۷، از ص ۱۰۴-۱۳۹، مؤسسه سیده المعصومه، ۱۴۱۹ ق، قم.
۴. منتخب الاثر، ص ۲۷۰.
۵. همان، از ص ۲۶۸-۲۷۰.
۶. منتخب الاثر، ص ۲۷۳، به نقل از کمال الدین صدوق.
۷. الکافی، ج ۱، باب ۸۰، ص ۳۳۶، ح ۴.
۸. همان، از ص ۲۷۵-۲۷۳.
۹. همان، ص ۲۷۷.
۱۰. همان، ص ۲۷۶-۲۷۹.
۱۱. همان، ص ۲۷۹.
۱۲. همان، ص ۲۷۹-۲۸۲.
۱۳. همان.
۱۴. منتخب الاثر، ص ۲۸۳.
۱۵. همان، ص ۲۸۲ تا ۲۸۴.
۱۶. همان.
۱۷. همان، ص ۲۸۴.
۱۸. در انتظار ققنوس، ص ۱۳۹، به نقل از: ینابیع الموده قندوزی، ج ۳، باب ۹۴، ص ۱۶۶؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۵ تا ۲۹۱.
۱۹. در انتظار ققنوس، ص ۱۴۸، به نقل از: ۲۰. کافی، ج ۱، باب ۷۶، ص ۳۲۸، ح ۲.
۲۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۵۰، دارالحديث، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. الکافی، ج ۱، باب ۷۷، ص ۳۳۲، ح ۱۳.
۲۳. در انتظار ققنوس، ص ۱۵۶، به نقل از: الکافی، ج ۱، باب ۷۷، ص ۳۳۱، ج ۶: الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۲.
۲۴. اکمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۷۵.
۲۵. همان، باب ۴۲، ص ۴۳۱، ح ۸.
۲۶. در انتظار ققنوس، ص ۱۵۹، به نقل از: سزالسلسه، ابو نصر بخاری، ص ۳۹.



کتاب‌های نگاشته شده درباره مهدویت

۱. «الامامه و المهدی فی تطوّر الفكر السياسی الشیعی من الشوری الی ولایه الفقیه» که به پاسخ و ردّ تفصیلی و کلمه به کلمه شبهات احمد کاتب، توسط محقق ارجمند آقای سید ثامر هاشم العمیدی نوشته شده است.
۲. «در انتظار ققنوس» ترجمه فارسی، «المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی» از همین نویسنده.
۳. «موعود ادیان، نوشته: حضرت آیت الله منتظری»، به طور مستدل و لو اجمالی به این گونه شبهات پاسخ داده شده است.
۴. «منتخب الاثر فی امام الثانی عشر»؛ آیت الله صافی گلپایگانی.
۵. «مهدی موعود»؛ ترجمه ی جلد سیزدهم بحار الأنوار، علی دوانی.
۶. «مهدی، انقلابی بزرگ»؛ آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی.
۷. «قیام و انقلاب مهدی»، استاد مطهری.
۸. «مهدی منتظر در نهج البلاغه»، مهدی فقیه ایمانی.
۹. ترجمه ی الغدیر، ج ۱۳، زین العابدین قربانی.
۱۰. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه ی عباس جلالی.
۱۱. امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی.
۱۲. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی.
۱۳. تاریخ غیبت و ظهور، مرحوم سید محمد صدر.
۱۴. او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.
۱۵. یوم الخلاص (روزگارهایی)، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور.
۱۶. امام مهدی از ولادت تا ظهور؛ سید محمد کاظم قزوینی

دسته گل های نرگسی

(امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام مرحوم آیت الله بهجت رحمته الله)

ارائه اعمال به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

خدا می داند در دفتر امام زمان جزء چه کسانی هستیم! کسی که اعمال بندگان در هر هفته، دو روز (روز دوشنبه و پنجشنبه) به او عرضه می شود. همین قدر می دانیم آن طوری که باید باشیم، نیستیم!

کارده استخوان رسیده!

در هر حال باید برای تعجیل در امر فرج و رفع نگرانی ها و گرفتاری ها و نجات و اصلاح حال مؤمنین بگوییم: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ»، [خداوند! با ظهور حضرت حجت این ناراحتی را از این امت برطرف نما]؛ زیرا واقعاً از ظلم و ستم و بلا و فشاری که بر سر اسلام و مسلمین - بخصوص اهل ایمان - وارد می آید، کارده استخوان رسیده است.

دعا برای فراگیری عدالت

اتمام حجت کرده اند؛ برای انسانی که صادق باشد، حرف ها را زده اند. در مشکلات دینی: «فارجعوا الی رُؤَاةِ احادیثنا» [به راویان احادیث ما رجوع کنید]. از آن ها طلب رفع مصائب را بکند. اگر آنها به واسطه عهدی که با خدا کرده اند، برای خودشان نتوانند کار کنند، برای ما که می توانند کار کنند. آنها از ما می خواهند برای آن ها کار کنیم؛ برای فرجشان دعا کنیم.

کتاب حضرت حجت؛ مجموعه بیانات و اشارات
حضرت آیت الله بهجت رحمته الله پیرامون حضرت ولی
عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، صص ۱۸۳ تا ۱۸۵



بصیرت اخلاقی در عصر ظهور

حجت الاسلام رحیم کارگر
قسمت اول

چرایی بصیرت اخلاقی

برای پاسخ به این پرسش که چرا (بصیرت اخلاقی) در جهت تغییر رفتارها و گفتارها و پندارها در عصر ظهور مطرح شده و چرا توجه ویژه ای به رشد فکری گشته است، چند دلیل را می توان بیان کرد: پ

يك. كنه شناسی

و پاسخ های چند سطحی

ابتدا باید دید. علم به خصوص فلسفه. به دنبال چیست. شناخت وجود؟ شناخت حقیقت؟ شناخت اندیشه؟ شناخت تجربه و...؟

پاسخی که به دنبال آن می گردد، چیست؟ به نظر می رسد به جهت تعدد آرا و اندیشه ها، هیچ وقت نتوان پاسخ قاطعی به آنچه که باید باشد، داد؛ زیرا پاسخها متفاوت و مشکلات و کاستی ها فراوان است... این عدم رسایی و کارآمدی، نشان می دهد که باید مسیر دانش ها را عوض کرد و به دنبال ریشه یابی واقعی مشکلات بود؛ آن وقت متناسب با این دریافت ها، پاسخ های مختلف و چند سطحی ارائه کرد؛ یعنی، يك مشکل و پدیده سیاسی یا اجتماعی، ممکن است دارای ریشه ها و عوامل به وجود آورنده متعددی باشد. ما باید ابتدا برای هر سطح از این عامل ایجاد، پاسخهای درخوری ارائه بدهیم. آن گاه ریشه و عامل اصلی آن را یافته و پاسخ کامل و بلند مدتی برای رفع آن ارائه کنیم. این (کنه شناسی) و پاسخ های چند سطحی است که می توان در آموزه های دینی، به خصوص آموزه های عرفانی، اخلاقی و سیاسی، آن را مشاهده کرد و به راه حل و پاسخ های روشن و بنیادین آن پی برد.

بصیرت، روشن بینی، اندیشمندی و دانایی حکیمانه و انسانی است که همچون چراغی پر نور در شب تاریک، جلوی او را روشن می کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می سازد و مانع از سقوط او در جهالت و ضلالت می گردد. بصیرت، خردورزی فاضله ای است که از اخلاق الهی و طهارت روح به دست می آید و بر روشن بینی و نیک اندیشی او، اثری عمیق دارد و بصیرت اخلاقی؛ یعنی، بر قراری پیوند بین جنبه های عقلی و فطری انسان ها و تربیت و تزکیه او در جهت رشد و تعالی معنوی و روحی در پرتو دانایی و پارسایی. در واقع انسان با دو بال عقل و اخلاق، قله های کمال را در می نوردد و مشکلات و کاستی های ناشی از رشد رذایل اخلاقی، فزون خواهی، جهالت، بی خردی، دنیاگرایی و... را از خود و جامعه می زداید.

پیوند تعلیم و تربیت

خواجه نصیر طوسی می گوید:

در صورتی انسان به سعادت واقعی نایل می شود که شهوت و غضب و آمال و آرزوهای خویش را تحت فرمان خرد قرار دهد و خرد را به فرمان دین در آورد و اراده خویش را در مشیت خداوند فانی سازد. (اخلاق ناصری، ص ۱۴۲) انسان موجودی است اثر گذار و تأثیر پذیر؛ ولی اثر پذیری او باعث شده است که موجودی قابل انعطاف باشد. نفس انسان در آغاز سالم، صاف و بی آرایش است و می تواند تحت تعلیم و تربیت های گوناگون قرار گیرد. همچنین چون انسان دارای قدرت اختیار، انتخاب و اراده آزاد است؛ هم مسؤول است و هم می تواند ماهیت های متفاوت و مختلف پیدا کند و این تعلیم و تربیت است که آینده و سرنوشت انسان را می سازد و مسیر زندگی وی را تعیین می کند. اگر تربیت و تعلیم بر اساس فطرت پاک و استعداد های درونی عالی او باشد، در این صورت او يك انسان پاک و وارسته و متخلق به اخلاق اسلامی به بار خواهد آمد و اگر تربیت شخصی، مبتنی بر فساد اخلاقی و معیارهای غیر الهی باشد، از وی فردی فاسد و بی ایمان ساخته خواهد شد.

این يك نکته کلیدی و مهم است که در عصر ظهور مورد توجه بایسته و شایسته قرار می گیرد و انسان با دو بال علم و اندیشه و تربیت و تزکیه، به رشد و کمال می رسد. او با ابزار علم و خرد، بر جهان بدعت و جهالت و پیرانگر خود فائق می آید و با تهذیب و تزکیه نفس، هر چه بیشتر با خود و خدای خود آشنا شده، بر نفس پیروز می گردد و به کمال شایسته خود (عبودیت و بندگی) می رسد. این، یعنی: شکوفایی ظرفیت های روحی انسانی، فزونی حیرت انگیز ایمان و تقوا، فضیلت محوری، بالا بردن سطح دانایی و خردورزی و در نتیجه، رسیدن به (بصیرت اخلاقی).

به عنوان مثال جنگ وکشتار یکی از پدیده های مهم زندگی سیاسی واز مشکلات بشر است. در (کنه شناسی جنگ) ابتدا به عواملی چون اختلافات ژئوپولیتیکی (جغرافیایی)، تضادهای نژادی، منفعت طلبی مادی واستعمار دیگران و... پی می بریم. در این سطح می توان به کمک سازمان های فراملی ویک سری قواعد حقوقی، تا حدی جنگ را کنترل کرد. اما در سطح بعدی ما با روحیه استکباری، زیاده خواهی، افکار مازوخیستی، تجاوزگری، سفاکی و... رو به رو هستیم که پاسخ آن جهاد ومبارزه واستقامت واز بین بردن ظالمان وسفاکان است.

اما در سطح بالاتر به کنه این مشکلات وناهنجاری ها پی می بریم وآن عدم تهذیب انسان، قوت گرفتن خوی حیوانی وشیطانی، رشد اخلاق ذمیمه (حرص وآز) ودوری از تعالیم دینی و اخلاقی و... است.

در این سطح به بایستگی تربیت وتعلیم انسان، تزکیه وتهذیب او واز بین بردن رذایل اخلاقی وحاکمیت ورع وتقوا پی می بریم. این همان چیزی است که پیامبران برای آن مبعوث شده وصالحان وامامان برای آن تلاش کرده اند و منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای تحقق آن ظهور خواهد کرد (یزکیهم وبعلمهم).

پس (کنه شناسی)، در صدد ریشه یابی واقعی مشکلات وکاستی های زندگی فردی واجتماعی بشر ویافتن سطوح مختلف عوامل به وجود آورنده این مشکلات است. پس از پی بردن به کنه وریشه مشکلات، پاسخ های متناسب در سطوح مختلف ارائه می شود؛ اما مهم ترین وبنیادی ترین پاسخ، پس از یافتن ریشه وکنه اصلی وواقعی مشکلات وپدیده ها ارائه می شود (نهایی ترین پاسخ ممکن).

..... علل ناراستی های قبل از ظهور

با بررسی روایات مربوط به دوران قبل از ظهور، می توانیم ریشه وکنه بسیاری از مشکلات وناهنجاری ها را در گزینه ها وانگاره های زیر شناسایی کنیم:

الف. قساوت وناراستی قلوب

(هنگامی که مردم بر روی دل های درنده خوی خود جامه میش بپوشند، دل آنها از مردار گندیده ترواز خار، تلخ تراست) و(دل مرد را قساوت می گیرد وهمانند بدنش می میرد) و(دل ها را قساوت می گیرد، دیده ها خشک می شود وتلاوت قرآن بر زبان ها سخت می گردد).

ب. نبود حق وعدالت

«حق، مرده واهل حق رخت بر بسته است... جور وستم همه شهرها را فرا گرفته است» (کافی، ج۸، ص۳۶) و«ستم وتباهی فراوان ومنکراشکار می شود» (بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۰) و«زمین با جور وستم پیشوایان ظالم وگمراه می میرد» (الغیبه، ج۲، ص۱۷).

ج. کفر وتباهی جوامع

«زمین با کفر اهل آن می میرد» و«کافران... از مشاهده فساد وتباهی جهان در پوست نمی گنجند» (کافی، ج۸، ص۳۸) و«فاسق ترین مردمان بر آنان حکومت می کند وپست ترین مردم، پیشوایان می شوند. اشرار از ترس شرارت مورد احترامند وغنا وموسیقی علنی می گردد. هر ملتی، ملت های پیش را لعن می کنند».

د. مرگ انسانیت و

اوج شیطننت ابلیس

«شیطان در نسوج بدنشان شرکت بسته، با خونشان آمیخته وهمراه خون، در شریان هایشان حرکت می کند. همواره انسان ها را به تهمت وافترا تشویق می کند تا فتنه ها افق شهرها را فرا گیرد...» و«اهل آن زمان گرگ شده وپادشاهان آنها درنده ومردم متوسط آنها خورنده وبینوایان آنها چون مردگان افسرده باشند».

بحار الانوار، ج۳۴، ص۳۳۹

«زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود؛ ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می گردد».

ه. ضعف ایمان ودین داری

«دل ها از ایمان تهی می گردد ومؤمن در میان آنان به هر گونه ذلت وخواری دچار می شود»

همان، ج۵۲، ص۲۶۲

و«مردم از دین خدا دسته دسته بیرون روند، آن چنان که دسته دسته به آن داخل شده اند».

همان، ج۲۴، ص۲۱۹

«اهل زمانه دگرگون می شوند... دل ها را شک وتردید فرا می گیرد. رشته دین از گردن آنها خارج شود وپیوند آنها بادین قطع گردد».

ی. نبود اخلاق ومعنویت

«نمازها تباه می شود» وانسان «به دنبال شهوت ها رفته واز هوای نفس پیروی می کنند»

وخودپرستی در اعماق دلها، نفوذ کرده آن سان که سمومات در بدن نفوذ می کند «وباعث مرگ شود». «راستی ودرستی، کمیاب می شود ودروغ همه جا را فرا می گیرد» و....

و. کم رنگ شدن خردورزی و دانایی

«ضلالت و گمراهی فراوان می شود و هدایت کمیاب می گردد» و «زمانی ظاهر می شود که علم (واقعی) رخت بر می بندد و نادانی ظاهر می شود». «جهالت بر سریر قدرت می نشیند و زنگ باطل پس از یک دوره سکوت به صدا در می آید. مردم برای کارهای ناشایست دست برادری به یکدیگر می دهند» و....

همان، ج ۳۴، ص ۲۳۹

با بررسی این موارد ما به صراحت در می یابیم که مشکل اساسی و همیشگی بشر، در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی اش، وجود خلأ (اخلاق) است. يك نگاه گذرا کافی است تا این حقیقت را اثبات نماید که سوختن صدها میلیون انسان جهان سومی در ورطه های فقر، اعتیاد، بیماری های مدرنی چون ایدز و... عاملی جز خلأ اخلاق ندارد.

انسان بدون اخلاق و تربیت واقعی و بدون شکوفایی استعداد های درونی و ابعاد روحی و فطری؛ یعنی، انسان فاقد همه چیز. هر چه پیشرفت علم و صنعت بیشتر باشد، نیاز به رعایت اخلاق شدید تر می شود.

پس از شناخت این ریشه ها و عوامل است که می توان تصویری واقع بینانه از عصر ظهور و پاسخ های متناسب برای رفع مشکلات و راه حل هایی چند سطحی برای اداره امور. که در روایات به صراحت به پاره ای از آنها اشاره شده است. به دست آورد.

دو. فرارسانی چند بعدی (کمال نهایی و کمالات فرعی)

رسیدن به کمال و سعادت، آرمان همیشگی انسان بوده است. با این حال یکی از مجهولات او این است که کمال انسان در چیست؟ در این رابطه دیدگاه های گوناگونی وجود دارد؛ اما بر اساس آیات و روایات، کمال اصلی انسان، «قرب و لقای الهی» است و سایر کمالات بدنی و روحی، همه مقدمه و ابزار رسیدن به چنین مقامی هستند. در این مرتبه است که همه اشیاء را قائم به ذات اقدس الهی می بیند و علم حضوری به حقایق هستی پیدا می کند و به اندازه ظرفیت وجودی خود، از انوار جلال و جمال الهی، بهره مند می شود و میل فطری او به شناختن حقایق هستی ارضامی گردد.

همچنین در این مرتبه است که به سرچشمه قدرت بی نهایت راه می یابد و در اثر ارتباط با آن، توان انجام هر کاری را که در تیر رس اراده اش قرار گیرد، پیدا می کند و میل قدرت طلبی او اشباع می شود.

و نیز در این مرتبه است که می تواند بالاترین درجه محبت را به والاترین محبوب ها پیدا کند و به نهایت قرب به او نایل آید و در نتیجه به بهترین و پایدارترین لذت ها دست یابد «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر».

این کمال نهایی، مراد و مطلوب انسان های کامل و مبدأ و مقصد اعلای حرکت تکاملی بشر و اساس تعلیم پیامبران بوده است؛ ولی تحقق کامل آن (یعنی رسیدن انسان به کمال نهایی خود در این دنیا) آن هم در ابعاد بسیار وسیع و گسترده، تنها در عصر ظهور خواهد بود.

انسان خرد ورز مهذب، می تواند به عبودیت و قرب الهی نایل شود و خود را در مدار هستی و فرجام تاریخ قرار دهد؛ این انگاره در فلسفه متعالی تاریخ و نظریه (دولت اخلاقی مهدوی) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

آنچه که انسان را به این کمال رهنمون می سازد، تعلیم و آموزش جهت دار (کمال فکری) و تربیت در راستای تحقق فضایل انسانی و اجتناب از رذایل اخلاقی (کمال اخلاقی) است که بدین وسیله فرد به کمال مطلق می رسد. عقل عالی ترین معرفت انسان را که با روح انسانی همسان است. ملاحظه کرده و با توجه به اینکه کمال انسانی در بالا رفتن مرتبه آن معرفت است، حکم می کند که کمال نهایی در نیل به عالی ترین معرفت شهودی است که در پس حرکت به سوی شهود مطلق، وجود مطلق و کمال مطلق حاصل می شود؛ چنانکه قرآن می فرماید: «ای نفس آرامش یافته! به سوی پروردگارت باز ای که تو خشنود و او راضی از تو است...».

نفس مطمئن، عبارت است از وصال روح انسانی به حقیقت مطلق که پروردگار عالم است و اخلاق اسلامی این وظیفه خطیر را بر عهده دارد که در انسان قابلیت جهت نایل شدن به رشد انسانی به وجود آورد تا خداوند متعال بر کمال وجودی او بیفزاید.

پس بدون تزکیه و تهذیب نفس و تعلیم و حکمت آموزی، نمی توان به آن کمال واقعی و نهایی دست یازید.



انقلاب هنجاری مذکور، به طور کامل در عصر ظهور صورت خواهد گرفت و بر اساس روایات تأثیرات شگرفی بر مردم خواهد نهاد. این دگرگونی به دست امام خواهد بود که بر اساس نظام امامت، کار اصلاح مردم را بر عهده دارد و به تربیت اخلاقی آنان همت می‌گمارد و به دست الهی خود، آنها را کامل می‌کند. این انقلاب هنجاری، بیشتر ماهیت اخلاقی دارد که منجر به (بصیرت اخلاقی) و شکوفایی انسانی می‌شود. در روایات به این مسأله اشارات روشنی شده است؛ از جمله می‌فرمایند:

«او این امت را پس از آنکه تباه و فاسد شده‌اند، اصلاح می‌کند».

کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۳

«خداوند زمین را به دست قائم زنده و احیا می‌گرداند؛ بعد از آن که زمین با کفر ساکنانش مرده باشد»

المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۱۲

علت طرح این فرضیه (بایستگی انقلاب هنجاری در عصر ظهور)، وجود فساد و تباهی اخلاقی فراگیر و اضطراب فکری و عقیدتی عمیق در آخرالزمان (پیش از قیام منجی) است که در روایات به آنها اشاره شده است؛ یعنی، بسیاری از انسانهای ماقبل ظهور، افرادی غیر اخلاقی، دین‌گریز، اهل فساد، دارای زندگی سطحی و فرومایه هستند. راه رهایی، (انقلاب بزرگ اخلاقی و فکری) است؛ یعنی، تحولات گسترده، سریع و بنیادین در رفتار و بینش مردم. اگر این انقلاب هنجاری رخ ندهد، بیشتر مشکلات و کاستی‌ها باقی مانده و امور بشر در دست مفسدان، زر سالاران و زورمندان خواهد بود.....

ادامه دارد

بر اساس بعضی از روایات و تفاسیر ویافته‌های عقلی و تجربی بشر، این (وصال موعود) و فرارسانی (کمال) واقعی، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت جهانی وقوع خواهد یافت و انسان از طریق کمالات فرعی (رشد فکری و اخلاقی و اجتماعی)، به کمال نهایی (قرب الهی و عبودیت) خواهد رسید.

سه. بایستگی انقلاب هنجاری

انسان موجودی تربیت پذیر و قابل تغییر و رو به رشد و بالندگی است. بدین جهت حرکات و صفات او، مورد توجه مکاتب اخلاقی، عرفانی و تربیتی بوده است و پیامبران نیز بیشترین تلاش و همت خود را مصروف تغییر رفتارها و عادات و پندارهای مردم کرده‌اند؛ یعنی، مردم یک سری عادت‌ها و رفتارهای نابهنجار و مشکل‌سازی دارند که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، منشأ بسیاری از کاستی‌ها، ناملایمات، تخریب‌ها و تحقیرها است. بعضی از این اعمال و عقاید، چنان باطل و مخرب است که تبدیل به رذیله اخلاقی، باورهای غیر انسانی و عادت‌های ناپسند می‌شود و تغییر آنها، نیاز به مجاهدت‌های گسترده تبلیغی و تربیتی و پرورش ویژه فکر و حکمت آموزی دارد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، سالیان متمادی به تزکیه و تعلیم مردم پرداخت و توانست با ارشادات و هدایت‌گری‌های خود، تا حدودی مردم و جامعه آلوده را پاکیزه سازد. این مسأله نشان می‌دهد که برای اصلاح فرد و جامعه و تغییر رویکردها، بینش‌ها و منش‌های ناسالم و ویرانگر، نیاز به یک انقلاب اساسی و بنیادی در افکار و عقاید و اخلاق دارد. این انقلاب بیشتر می‌تواند ماهیت ارزشی، اخلاقی و فرهنگی داشته باشد؛ یعنی، تغییر اثر گذاری که انسان را به سرشت و فطرت پاک خود برگرداند، سیرت و باطن او را پاک سازد و رذایل اخلاقی را به مکارم اخلاقی تبدیل کند. این (انقلاب هنجاری) هم می‌تواند در سطح فردی باشد و هم اجتماعی؛ هم در سطح فکری و علمی باشد و هم اخلاقی و معنوی و... بدون این انقلاب گسترده و فراگیر فرهنگی، اصلاح بشر، امکان پذیر نیست.



عصر ظهور

حجت الاسلام رحیم کارگر

بصیرت اخلاقی در سایه تربیت اخلاقی و رشد و شکوفایی خرد انسانی

توجه به امکان پرورش و شکوفایی کمال گرایانه انسان در پرتو رشد جامع فکری و اخلاقی مهم است. این نگره می تواند برای همه جوامع و همه اعصار، کاربردی باشد؛ همان گونه که زمان بعثت نبوی، عصر تعلیم و تربیت نفوس و تزکیه و خرد پروری بوده است. بعد کامل این رویکرد (بصیرت اخلاقی) است که در دوران ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، جلوه گر خواهد شد.

اگر انسان از بصیرت اخلاقی و تعلیم و تربیت متعالی و صحیح برخوردار باشد؛ می تواند جامعه را به سوی کمالات انسانی و الهی سوق دهد و افراد جامعه را از هلاک شدن نجات دهد و جامعه ای را به وجود آورد که الگوی وجوامع دیگر قرار گیرد. این بصیرت اخلاقی (روشن بینی خردورزانه و پرهیزگارانه)، در سایه تربیت اخلاقی (تربیت ایمانی و قدسی) و رشد و شکوفایی خرد انسانی حاصل می شود.

هدف از تربیت اخلاقی، دعوت مردم به اخلاق و فضیلت گرایی و تزکیه نفس از رذایل است. هدف این است که انسان خود را اداره کند؛ تمایلات نفسانی را تحت کنترل درآورد و از آنچه غیر عقلانی است، دور گردد. در برنامه های تربیتی متعالی، به رشد اخلاقی انسان، سخت توجه شده و در واقع تعلیم و تربیت جزء تربیت اخلاقی شمرده شده و قرآن بر این رسالت خطیر تأکید کرده است. این بدان جهت است که بزرگ ترین دشمن آدمی، نفس او است؛ زیرا این دشمن به مرکز فرماندهی و هدایت انسان؛ یعنی، عقل او دسترسی دارد و با تخریب این مرکز، زندگی جاودانه او را در معرض تباهی و شقاوت قرار می دهد و به خسران و زیان همیشگی گرفتار می سازد...

نخستین گام برای رهایی از این وضعیت، گشودن زنجیرهایی است که دست و پای عقل را بسته است. این فرآیند آزاد سازی عقل، **تزکیه نفس** نامیده می شود و نتیجه آن بصیرت اخلاقی است.

با مراجعه به قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام در می یابیم که سرچشمه رذایل و تمامی گناهان، یکی از امور ذیل است:

پیروی از هوای نفس، جهل، دلبستگی به دنیا، متابعت از شیطان، کفر و نفاق؛ چنان که می فرماید: (از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف می شوید). از جمله ویژگی های انسان، تربیت پذیری او است؛ در واقع اساس بعثت پیامبران، تربیت انسان بوده است. پس باید این قابلیت در انسان وجود داشته باشد تا خداوند انبیا را برای پرورش آن مبعوث فرماید.

طرح و برنامه ای که در اسلام برای تعلیم و تربیت و رشد انسان ارائه می شود، برنامه ای است جامع و عملی که آفریدگار جهان برای وی تنظیم کرده است و پیام آوران خدا، مبلغ و مجری آن هستند. راهبردهای اسلام برای انسان سازی و جامعه سازی، در میدان عمل و آزمون، قرین موفقیت بوده و می تواند برای بشریت، ره توشه سعادت باشد. رمز این کامیابی تربیتی، توجه اسلام به همه ابعاد انسان، به خصوص بعد روحی و عقلی او است. این برنامه از سوی خداوند متعال و به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ شده و به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کامل تحقق خواهد یافت.

البته نظام تربیتی، با فرض واقع بینانه بودن، هر گاه فاقد برنامه عملی و ضمانت اجرایی باشد، در میدان عمل ناکام خواهد ماند؛ به ویژه در مسائلی که با عواطف و انسان سر و کار دارد و در نتیجه به تضاد درونی کشیده می شود.

پشتوانه نظام تربیتی اسلام، ایمان و حب خدا و عامل خوف و رجا و عمل صالح است که مؤمن از روی معرفت و عشق به حق و... انجام می دهد و در این میان عبادات از نقش مداوم و مؤثری در تکمیل و تهذیب نفوس برخوردارند. در این نظام واقع بینانه، رشد فکری و عقلی انسان، در کنار تزکیه و تهذیب نفس جایگاه ویژه ای دارد.

برای دستیابی به این رشد و بالندگی معنوی و عقلی در روایات و منابع معتبر دینی، سازوکارها و مکانیسم های بیان شده و عصر ظهور، دوران شکوفایی و تعالی انسان در همه زمینه ها دانسته شده است.



بصیرت و انتظار

حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

چراغ بصیرت

پیمودن راه طولانی «انتظار تا ظهور» نیازمند «چراغ راه، است» تا منتظر راستین، پیچ و خم‌ها، عقبه‌ها و پرتگاه‌ها را بشناسد و با سلامت به مقصد برسد.

این چراغ راه، «بصیرت» است، یعنی بینش عمیق در مسائل فکری و اجتماعی، تا انسان فریب نخورد، باطل را به جای حق نپذیرد، مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد، دچار فتنه‌های اجتماعی نشود و در خط صحیح اهل بیت علیهم‌السلام باقی بماند. بدون این بصیرت که چراغ درونی است، از بصر و بینایی چشم، کاری ساخته نیست.

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

«نظر البصر لایجدی إذا عمیت البصیرة» (غرر الحکم، حدیث ۹۹۷۲)

نگاه چشم فایده ندارد، آنگاه که چشم بصیرت کور باشد.

بصیرت در دین، به ویژه در عصر غیبت ائمه علیهم‌السلام که دسترسی به امام معصوم مهیا نیست و شیادان و رهزنان فراوانند، لازم‌تر است و بدون آن، چه بسا افراد سطحی نگر و فاقد بصیرت، با کوچک‌ترین شبهه دچار انحراف شوند و با اغواگری منحرفان، به مذهب‌های ساختگی و فرقه‌های پوچ کشیده شوند و از مسلمانی فاصله بگیرند.

از شاخص‌های این بصیرت، امام‌شناسی و جهت‌شناسی است، چه در عصر حضور، چه در عصر غیبت. از این رو در یکی از دعا‌های عصر غیبت «حجت‌شناسی» را از خدای طلبیم: «اللهم عرفنی حجتک»، چرا که اگر حجت خدا را نشناسیم، گرفتار گمراهی می‌شویم: «انک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی».

این بصیرت دینی، تنها در مسائل فقهی و حلال و حرام و واجبات شرع نیست، در امور اجتماعی و سیاسی هم مؤمن باید هوشیار و با بصیر باشد تا ملعبه دیگران نگردد و دچار امواج انحرافی نشود و به استخدام افراد فاسد و دستگاه‌های جبار و قدرت‌های ستمگر در نیاید.

دستبرده باورها

در عرصه مسائل اعتقادی هم فریب و اغوا وجود دارد. در طول تاریخ، افراد بسیاری بوده‌اند که ادعای پیغمبری کرده و جمعی را به گمراهی کشیده‌اند، یا با روش‌های فریبکارانه، پیروان یک پیامبر را دچار انحراف و تزلزل ساخته‌اند، نمونه‌اش «سامری» و ترویج گوساله‌پرستی در امت «موسی (ع)». افرادی هم بوده‌اند که ادعای امام زمانی یا ارتباط با امام زمان داشته‌اند و عده‌ای ساده لوح و خوش‌باور را مرید خود ساخته‌اند و فرقه‌سازی کرده‌اند؛ نمونه‌اش پیدایش فرقه گمراه بهایی‌گری در قرن اخیر. آن‌چه انسان را در مقابل اینگونه ادعاها و دروغ‌ها مسلح می‌کند و مصونیت می‌بخشد، داشتن بصیرت و بینش است. کسی که دین خود را عمیقاً بشناسد و اعتقادات شیعی را خوب بداند و در مسائل دینی، دیدگاه‌های علمای دین را محور قرار دهد، فریب نمی‌خورد و به انحراف کشیده نمی‌شود. حضرت باقر (ع) به یکی از اصحابش فرمود: «ای ابا حمزه! هرگاه یکی از شما چند فرسخ بیرون می‌روید، برای خودتان «راهنما» انتخاب می‌کنید. شما به راه‌های آسمان ناآشنا تر از راه‌های زمین هستید. پس برای خودت دلیل و راهنما بطلب.» (اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۴)

این راهنما طلبی در راه آسمانی دین‌داری، برای مصون ماندن از هجوم غارتگران عقاید است.

کمین‌گاه‌ها

«راه انتظار» خالی از کمین نیست. مایه بسی شگفتی است که با این که کشورهای استعمارگر، مثلاً دولت انگلیس، در پشت سر جریان انحرافی بهایی = بوده و امروز هم آمریکا و اسرائیل، از حامیان عمده بهائیان‌اند، چگونه کسانی ساده‌لوح، به بهائیت به عنوان یک دین نگاه می‌کنند و به آن می‌گروند.

البته گاهی هم به سبب فقر مادی و برای کسب مال و عنوان و شغل، یا رسیدن به غرایز جنسی و بی‌بند و باری‌های شیطانی، سراغ این فرقه می‌روند، عده‌ای هم به خاطر ضعف بینش دینی فریب می‌خورند و جذب می‌شوند.

امروز شاهدیم که در گوشه و کنار، کسانی مدعی ارتباط با امام زمان (ع) می‌شوند و از این راه، به شهرت و ثروت می‌رسند و با تظاهر و ریاکاری و با انگیزه دنیوی و ریاست‌طلبانه، مردم را دور خود جمع می‌کنند و به اخاذی و حتی فسادهای اخلاقی می‌پردازند و پس از چندی، دروغ و فساد آنان آشکار می‌شود و دستگیر می‌شوند و از این راه، ضربه به اعتقادات مردم علاقه‌مند به حضرت صاحب‌الزمان (ع) وارد می‌شود. پس باید بصیر و بینا و دین‌شناس بود، تا حرف‌هایی بر خلاف دین و بر خلاف اعتقادات صحیح شیعی را به نام دین نپذیرفت و به دروغ‌پردازان به عنوان کسانی که با حضرت (ع) مرتبط‌اند و از او دستور می‌گیرند و... نگاه نکرد.

مدعیان دیدار

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

درباره دیدار حضرت و تشرف به حضور ایشان، بسیار گفته و نوشته‌اند. اصل امکان دیدار را نمی‌توان انکار کرد، ولی چنین نیست که هر کس مدعی دیدار و ارتباط شد راست می‌گوید. بیشتر کسانی که فریب می‌خورند، آنان‌اند که با علمای دین و مرجعیت رابطه‌ای ندارند و گرفتار شیادان می‌شوند.

اگر به جای سطحی‌نگری، بصیرت و بینش دینی باشد؛ «انتظار فرج» آلوده به خرافات و انحرافات نمی‌شود و شیادان نمی‌توانند با ادعاهای دروغ و کشف و کرامات ساختگی، از باور دینی مردم سوء استفاده کنند.

عمده فریب‌خوردگان، افراد کم سواد یا بی‌سواد و بی‌بصیرت‌اند. در حدیثی که از امام عصر (ع) می‌خوانیم:

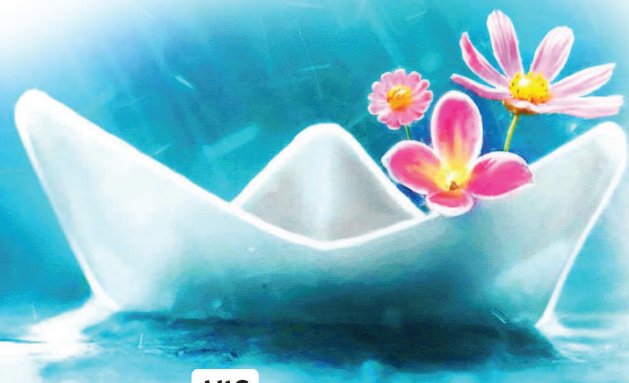
«بزودی بر شیعیان من خواهد آمد که کسی مدعی مشاهده و دیدار شود. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه ادعای مشاهده کند، دروغگو و اهل افترا است.»

(کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۱۶)

این سخن می‌خواهد دکان کسانی را ببندد که با ادعای مشاهده، در پی مرید جمع کردن و اغوای مردم‌اند و گرنه نمونه صریح و مستند و درست از عالمانی که در غیبت، توفیق شرفیابی داشته‌اند، کم نیست. به آنان که جار می‌زنند و مدعی دیداراند. باید به دیده تردید نگریست.

بصیرت، عنصر مکمل انتظار است و منتظران هم باید عمق بینش داشته باشند و راه انتظار را با چراغ بصیرت طی کنند.

طی این مرحله بی‌همری خضر مکن ظلمات است، بترس از خطر گمراهی





کشتار مردم

پیش از ظهور امام زمان

عجل الله تعالی فرجه الشریف

دلیل اینکه در میان باقی ماندگان، شیعیان و دوستان امام زمان علیه السلام هستند، این است که آنها با حضرت مهدی علیه السلام بیعت خواهند کرد. (۶)

اما برخی برداشتی کنایی از این روایات داشته‌اند. به باور آنها، مراد از این روایات این است که ستمگران آنقدر در مقابل حق، مقاومت نشان می‌دهند، که جز جنگیدن با آنان راه دیگری نیست. برخی نیز احتمال داده‌اند مراد از این احادیث، همه روی زمین نیست؛ بلکه منظور منطقه‌ای است که درگیری‌ها در آن رخ می‌دهد. به گفته آنها، با این تفسیر میزان کشته شده‌ها که در روایات ذکر شده دور از ذهن نیست؛ همانگونه که در جنگ جهانی اول نهصد هزار تن در فرانسه، پانصد هزار در انگلستان، نزدیک به یک میلیون در آلمان و چهار میلیون در شوروی کشته شدند و هیتلر پنج میلیون تن را با گاز خفه کرد و ۷۵ هزار تن را با مسلسل کشت. (۷)

قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس روایات، شمار زیادی در نتیجه جنگ و بر اثر بیماری همه‌گیر از دنیا خواهند رفت؛ البته پیروان اهل بیت علیهم السلام جزو کسانی‌اند که باقی می‌مانند. (۱) برخی نیز احتمال داده‌اند مراد از این احادیث، همه افراد روی زمین نیست؛ بلکه منظور منطقه‌ای است که درگیری‌ها در آن رخ می‌دهد. (۲)

بر اساس روایتی از امام رضا علیه السلام، پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشتارهای پیاپی و بی‌وقفه رخ خواهد داد و طبق روایتی از امام علی علیه السلام پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان دچار دو نوع مرگ می‌شود؛ مرگ با شمشیر (اسلحه) و مرگ با طاعون. در روایتی دیگر از ایشان بیان شده قبل از ظهور، یک سوم مردم کشته می‌شوند، یک سوم آنها می‌میرند و یک سوم دیگر باقی می‌مانند. آن حضرت در روایتی دیگر نیز یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را «کشتار ناگوار»، «مرگ سریع» و «همه‌گیری طاعون» دانسته‌اند. (۳)

به طوری که از احادیث برمی‌آید، کمی قبل از ظهور حضرت، جنگی جهانی رخ می‌دهد که ریشه در منطقه شرق عالم دارد «جنگ‌ها در زمین فراوان شود». از بعضی احادیث چنین فهمیده می‌شود که این جنگ به صورت جنگ‌های منطقه‌ای است و در سال ظهور اتفاق می‌افتد و خسارت‌های آن نیز متوجه آمریکا و اروپا می‌شود: «آتش، در مغرب زمین همچون شعله‌ای که از هیزم فراوان زبانه کشد، بالا رود». «بین مردم شرق و غرب و حتی میان مسلمانان اختلاف شود و مردم در اثر هراس و وحشتی که دارند با رنج و گرفتاری سختی روبرو شوند». همچنین روایات خبر می‌دهند که زبان‌های جانی این جنگ که با بیماری طاعون، پیش از جنگ و بعد از آن همراه است، دو سوم ساکنان زمین را در برمی‌گیرد، این خسارت‌ها به شکل مستقیم گریبانگیر مسلمانان نمی‌شود. پاره‌ای از روایات، اشاره دارند که این نبرد در چند مرحله انجام می‌پذیرد، و آخرین مرحله آن بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آزادسازی حجاز و ورود حضرت به عراق خواهد بود. البته آزاد نمودن حجاز مربوط به نابسامانی و خلأ سیاسی و بحران حکومت آن دیار و حوادث دیگری است. (۴)

بر اساس روایتی، قبل از ظهور از هر هفت تن، پنج تن، و بر اساس روایتی دیگر، از هر ده تن، نه تن می‌میرند. ارقام دیگری نیز ذکر شده است. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از هر ده هزار تن، نه هزار و نهصد تن به قتل می‌رسند و جز شمار اندکی، زنده نمی‌مانند.

طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، پیروان اهل بیت علیهم السلام جزو باقی ماندگان خواهند بود. (۵)

۱. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۵-۵۱.
۲. علی اکبر بابازاده زمینه‌های فساد در جامعه (انتشارات قدس، چاپ اول) ج ۱، ص ۳۱۲.
۳. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۵-۵۱.
۴. کورانی عاملی، علی، عصر الظهور (فارسی)، ترجمه: مهدی حقی، دارالهدی، ج ۱، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۲.
۵. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۵-۵۱.
۶. همان، ص ۵۵.
۷. علی اکبر بابازاده، زمینه‌های فساد در جامعه (انتشارات قدس، چاپ اول) ج ۱، ص ۳۱۲.

نفس خاتم

نکاتی کوتاه از احادیث امام مهدی علیه السلام

محمد مهدی حائری پور



شخصیت بی نظیر پیامبر گرامی خدا ﷺ

... ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا ﷺ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَتَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَأَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ... (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۸۸)

سپس حضرت محمد ﷺ را به عنوان رحمتی برای جهانیان به رسالت مبعوث کرد و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود مقدسش را برای همه جهانیان فرستاد و آنچه که می باید، از راستی او ظاهر نمود.

نکته ها:

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در توصیف پیامبر گرامی خدا ﷺ از قرآن کریم وام گرفته است که می فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده ایم، سوره انبیاء/۱۰۷ و نیز فرموده: وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ بلکه فرستاده خدا و خاتم پیغمبران است، سوره احزاب/۴۰ و نیز فرموده: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ...؛ ما تو را نفرستادیم مگر برای اینکه از خطا و گناه بازشان داری، و نیز نوید بخش و بیم رسان باشی، «سوره سبأ/۲۸ پیامبر گرامی خدا ﷺ آخرین فرستاده ی خدا به سوی همه مردم و مظهر رحمت بی پایان او و تمام کننده نعمت های خدا بر خلق است.

نکته ها:

- آیا با وجود دستور صریح قرآن کریم نسبت به اطاعت مطلق از «اولی الامر»، می توان درباره وجود ایشان در هر زمان تردید داشت؟ آیا «اولی الامر» - که اطاعت از او در ردیف اطاعت از خدای متعال و پیامبر خدا ﷺ واجب گردیده - می تواند جز امام معصوم باشد؟

اندیشیدن درباره معنای «اولی الامر» در قرآن کریم

يَا هَؤُلَاءِ مَا لَكُمْ فِي الرَّيْبِ تَتَرَدَّدُونَ وَفِي الْخَبِيرَةِ تَنَعِكُسُونَ أَوْ مَا سَمِعْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

(سوره نساء/۵۹)

ای مردم! چرا دچار شک و تردید شده و در وادی حیرت و سرگردانی به سر می برید؟ آیا نشنیده اید که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند و پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید؟ (الغیبة للطوسی، ص ۲۸۵)

- در روایتی از پیامبر گرامی خدا ﷺ آمده که در تفسیر این آیه فرمودند: «اولی الامر» جانشینان من و امامان مسلمین پس از من هستند. اولین آنها علی بن ابی طالب و پس از او فرزندش حسن و پس از او حسین
(بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳)

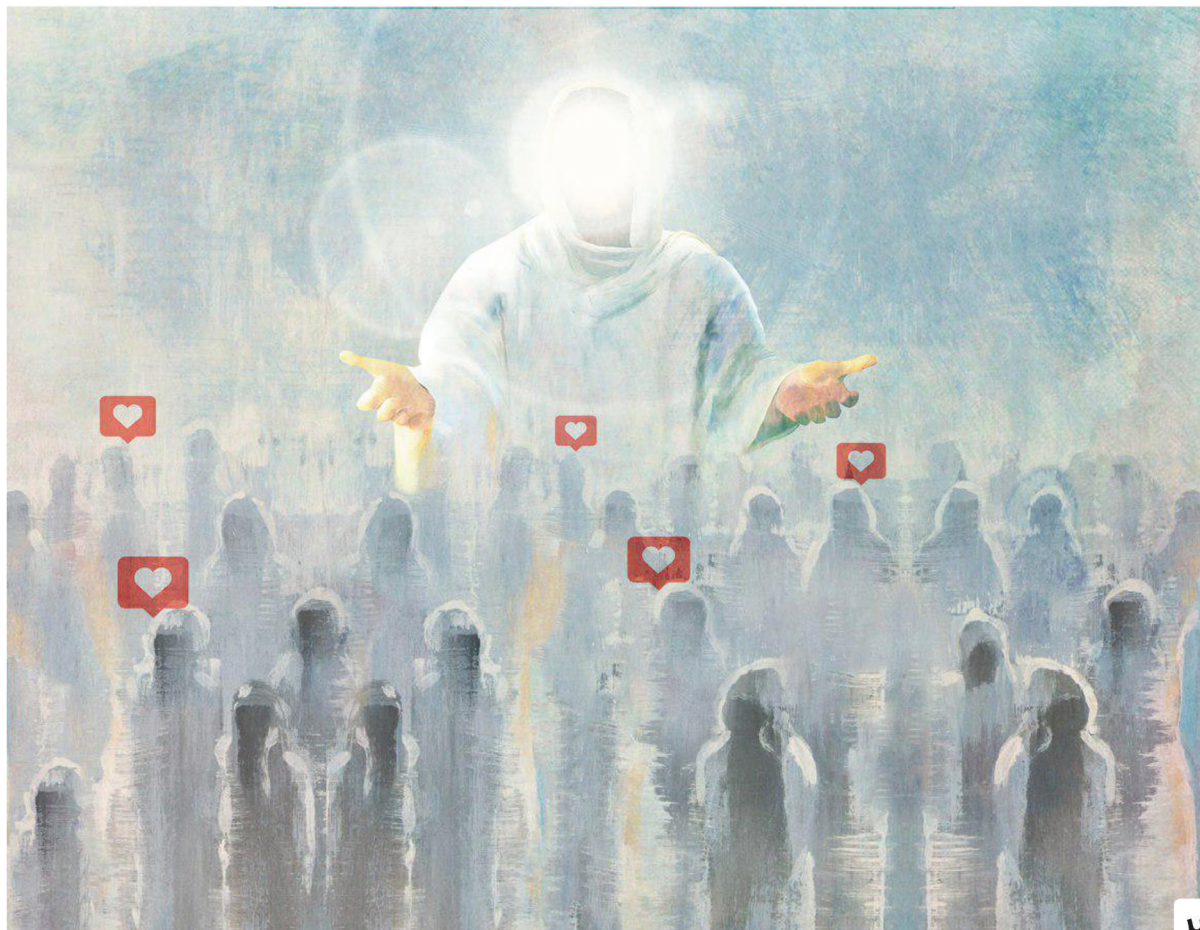
ضرورت وجود امام هدایتگر در هر زمان

أَوَمَّا أُيْتِمُّ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاوِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ وَإِذَا أَقْلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَبْطَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ كَلَّامًا كَانَ ذَلِكَ وَلَا يَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَيُظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَهُمْ كَارِهُونَ (همان، ص ۵۲۰)

آیا ندیدید که خداوند چگونه برای شما پناهگاه‌هایی قرار داد تا به آن‌ها پناه ببرید؟ و از زمان آدم علیه السلام تا امامی که گذشته است [یعنی امام حسن عسکری علیه السلام] علامت‌هایی گذاشت تا به واسطه آن‌ها هدایت بشوید؟ و هرگاه علم هدایتی غایب شد (و از دنیا رفت) علم دیگری ظاهر گشت؟ و هرگاه ستاره‌ای غروب کرد ستاره دیگری طلوع کرد؟ پس آن‌گاه که خداوند تبارک و تعالی او (حجت یازدهم) را به جوار رحمت خود برد، شما خیال کردید که خداوند دینش را باطل و اسباب و وسایط ارتباط بین خود و خلقش را قطع کرده است؟ هرگز این‌گونه نیست و تاقیامت هم این اتفاق نخواهد افتاد تا امر خداوند سبحان ظاهر می‌شود، در حالی که آن‌ها [مرد دین و شکاک‌ها] کراهت داشته باشند.

نکته‌ها:

- آیا با وجود امامان در طول زمان و ظهور هر امام پس از غروب امامی دیگر، می‌توان نسبت به امامی از نسل یازدهمین امام، تردید داشت؟
مطابق روایات فراوان، این سنت الهی است که در هر زمان حجتی از حجت‌های الهی بر زمین باشد و همیشه چنین بوده تا امر امامت به حسن بن علی العسکری علیه السلام رسیده و ناگزیر پس از او نیز باید به حجت بعد از او منتهی گردد.



حیرت

عَجَّ اللَّهُ تَعَالَى
فَرْجَهُ الشَّرِيفَ

از ویژگی های مردم و حضرت مهدی

در عصر غیبت

از ویژگی های مهم دوران غیبت «سرگردانی» است؛ به ویژه هر چه به زمان ظهور نزدیک تر می شویم، بر شدت آن افزوده می شود. در این دوران، انسان ها به سبب پنهان بودن رهبر الهی خود، در تحیر، و برخی نیز در گمراهی به سر خواهند برد. البته افراد بسیاری نیز به دلیل اهتمام جدی به پروای الهی، از این آزمون ها به سلامت عبور کرده، ایمان خود را تا واپسین لحظه ها حفظ می کنند. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، از امام جواد (ع) از پدران حدیث کرده است که امیرمؤمنان (ع) فرمود: «برای قایم ما غیبتی است که مدتش طولانی است. گویا شیعه را می بینم که در غیبتش چون چهارپایان جولان می زنند و چراگاه می جویند و به دست نمی آورند. آگاه باشید هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام، دلش دچار قساوت نشود، او در روز قیامت در درجه من، بامن است...». (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۴)

در برخی روایات، این حیرت، به خود حضرت نیز نسبت داده شده. «حیرت» از نظر لغت هنگامی به کار می رود که شخص، در کار خود سرگردان است و گشایشی در آن نمی بیند. که این، به تناسب افراد متفاوت خواهد بود، از این رو سرگردانی آن حضرت، با آنچه درباره عموم مردم گفته شده، کاملاً متفاوت است. اصبخ بن نباته گوید: بر امیرمؤمنان (ع) وارد شدم و دیدم در حالی که در اندیشه فرو رفته، با انگشت بر زمین خط می کشد. پرسیدم: ای امیرالمؤمنین! چرا شما را اندیشناک می بینم و چرا بر زمین خط می کشید؟ آیا به زمین و خلافت در آن رغبتی دارید؟ فرمود: «نه به خدا سوگند! نه به آن و نه به دنیا هیچ روزی اشتیاقی نداشته ام؛ لکن در فرزندی می اندیشم که از سلاله من و یازدهمین فرزند من است. او مهدی است و زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ همان گونه که پر از ستم و جور شده باشد. او را سرگردانی و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه شده و اقوامی دیگر در آن هدایت یابند». (همان، باب ۲۶، ح ۱)

البته این احتمال قوی می نماید که مقصود از سرگردانی در این روایت، سرگردانی مردم باشد؛ چرا که فرموده است برای او غیبت و حیرت. هر دو هست و غیبت زمانی معنا پیدا می کند که حضرت در مواجهه با مردم تصور شود. مسلم است حضرت نزد خود غایب نیست و اگر گفته می شود برای او غیبت است، یعنی در مواجهه با مردم پنهان است. حیرت نیز این گونه است؛ یعنی حالتی برای حضرت پدید می آید که حاصل آن برای مردم، سرگردانی خواهد بود.

ام هانی ثقفیه گوید: بامدادی خدمت سرورم، امام محمد باقر (ع) رسیدم و گفتم: «ای آقای من! آیه ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده است و مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است». فرمود: ای ام هانی! بپرس. پرسیدم: «ای سرورم! این قول خداوند: «فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنَّسِ»، «الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» فرمود:

«ای ام هانی! خوب مسأله ای پرسیدی. این، مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه شوند و اقوامی نیز هدایت یابند. خوشا بر تو اگر او را دریابی! و خوشا بر کسی که او را دریابد!» (همان، باب ۳۲، ح ۱۴)

با در نظر گرفتن یکی از معانی لغوی و به دور از معنای عرفی و اصطلاحی، اطلاق آن بر خود حضرت مهدی (ع) نیز بدون اشکال خواهد بود. و آن معنا این است که حیران به کسی می گویند که در کار خود گشایشی نمی بیند و حضرت نیز در دوران غیبت چنین است. مؤید این معنا روایاتی است که حیرت جز بر خود حضرت قابل تطبیق نیست. امام صادق (ع) پس از نقل داستان حضرت موسی (ع) فرمود:

«و با قائم، دوازدهمین امامان نیز چنین کند و در یک شب کارش را اصلاح فرماید؛ همچنان که کار پیامبرش موسی رادربشی اصلاح فرمود و او را از حیرت و غیبت، به روشنایی فرج و ظهور در آورد».

همچنین امام باقر (ع) آن گاه که حضرت مهدی (ع) را در دوران غیبت به حضرت یوسف (ع) تشبیه کرد، در پاسخ پرسش راوی درباره وجه شباهت فرمود:

«الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ». روشن است که حضرت یوسف (ع) همواره در مصیبت ها گشایشی در کار خود نمی دید. بنابراین بدان سبب که حضرت مهدی (ع) در کار خود گشایشی نمی بیند، تا آن زمان که خداوند اراده ظهور فرماید، می توان به آن حضرت حیران گفت.



الف ولست اك للهم محمداً وآله

اهمیت احیای شب و روز نیمه شعبان در بیانات حضرت آیت الله وحید خراسانی

ان شاء الله باید هر سال بزرگداشت میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سال قبل باشکوه‌تر باشد؛ چرا که «يُمْنُهُ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ». اگر یک لحظه نظر لطف را بردارد تمام عالم محو است. هستی و وجود ما، به یمن اوست. وظیفه ما یاد اوست، فی کل الأحوال.

ان شاء الله همه‌ی هیئات اقدام کنند، تا نیمه شعبان احیاء شود. أجرشان هم در شب قدر است. ليله القدر که همه‌ی اعمال در دفتر عمل ضبط است، خدمات آن‌ها نیز مضبوط و ثبت شده است. مقدرات شما، به خدمت شما در شب نیمه شعبان که ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، وابسته است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدار کون و مکان و ملجأ عالم غیب و شهود است.

امسال از سال‌های قبل باشکوه‌تر برگزار کنید. هر کس نصیبی دارد، به قدر وسع و طاقت خود، برای ليله القدر قدم بردارد، «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» تمام کلمه و تمام النعمه در نیمه شعبان است، آن هم به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. نزد همه انبیاء و اولیاء، تنها دو حرف از علم است. ۲۸ حرف وابسته به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عقل هر نفری در ظهور او، عقل چهل نفر می‌شود.

در اقطار جهان، مسلمانان سعی کنند، آن روز را احیاء کنند. شب قدر که شب تقدیر است به امضاء آن حضرت می‌رسد. اوست که باذن الله، قدرت بر تغییر و تبدیل ما یبشاه دارد. امسال، باید غیر از سال‌های قبل باشد. هر مریضی که شفاء می‌خواهد و هر مدیونی که اداء دینش را از خدا می‌خواهد و... وعده ما و او در شب و روز نیمه‌ی شعبان. باید به همّت مؤمنین و مؤمنات این سال بهتر از سال‌های قبل، اقامه‌ی شعائر میلاد آن حضرت بشود. اوست «کلمة العلیا»، «بِهِ تَمَّتْ الْكَلِمَةُ». توسل از ما، افاضه از او.

همه مردم، قرآن را هر روز، آن چه میسر است برای حفظ او قرائت کنند. این دستور را ترک نکنند.

ان شاء الله تمام امت مهدوی بشود در راستای اقامه‌ی شعائر مهدویت.

بارالها! ما را از انصار آن حضرت قرار بده و سعادت ما را در شهادت رکاب سیّد سادات ارض و سماء قرار بده!

وظیفه ما به توفیق الهی

آیت الله وحید خراسانی:
عمده چیزی که وظیفه ماست چیست؟ ما چه باید بکنیم؟ کار ما دو مطلب است: یعنی اگر خدا توفیق بدهد، کار این طبقه روحانیت است. آن هم نمی شود الا به توفیق خدا و به اینکه خود او نظری کند.

مطلبی که وظیفه ماست این است:

«وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ»؛ «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ».

این چنین باید بشود؛ یعنی چنان باید تسلیم بشویم، عقل باید تسلیم بشود. اینجا دیگر این حرف ها غلط است.

«وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ [اسْخَطْتُمُوهُ]، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ».

آنچه تو نپسندی باطل همان است. این از نظر اعتقادات.

اعتقادات در این کلمه در این دو کلمه خلاصه می شود: «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ»؛ حق آن است که او پسندیده است. باطل آن است که او مورد سخط قرار داده است.

به امور عملی هم که برسیم معروف آن است که شما بدان امر کنید و منکر آن است که شما از آن نهی نمایید: «وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ».

بر گرفته از بیانات حضرت آیت الله وحید خراسانی، کتاب «بیانی آیات الله و منتهی الآمال جمیع انبیاء و اوصیاء»، ج ۱، صص ۲۹ الی ۳۷.



تکذیب مدعیان

آیت الله شبیری زنجانی:
شخصی نزد اینجانب آمد و مدعی بود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت کرده و حضرت سیادت او را امضا کرده است.

من به او تند شدم و او را تکذیب کردم؛ ما مأمور به تکذیب این گونه افراد مدعی ارتباط با حضرت هستیم اگر روایتی هم



در این باب نبود عقل حکم می کرد [باید] جلوی این چنین ادعاهایی گرفته شود وگرنه سنگ روی سنگ بند نمی شود و فردا کسی ادعا خواهد کرد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زیارت کردم و حضرت فرمودند که این مال از فلانی نیست این زن همسر فلانی نیست و... اگر تکذیب نکنیم نظام ها به هم خواهد ریخت.

جرعه ای از دریا، ج ۳، ص ۴۶۴، سید موسی شبیری زنجانی، نشر موسسه کتابشناسی شیعه



بی نیازی امام از همگان و نیاز همگان به او

...إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا

... زیرا خدا با ما است و نیازمند دیگری نیستیم . حق با ما است و باکی نیست
که کسی از ما روی بگرداند.

الغیبه للطوسی ، ص ۲۸۵



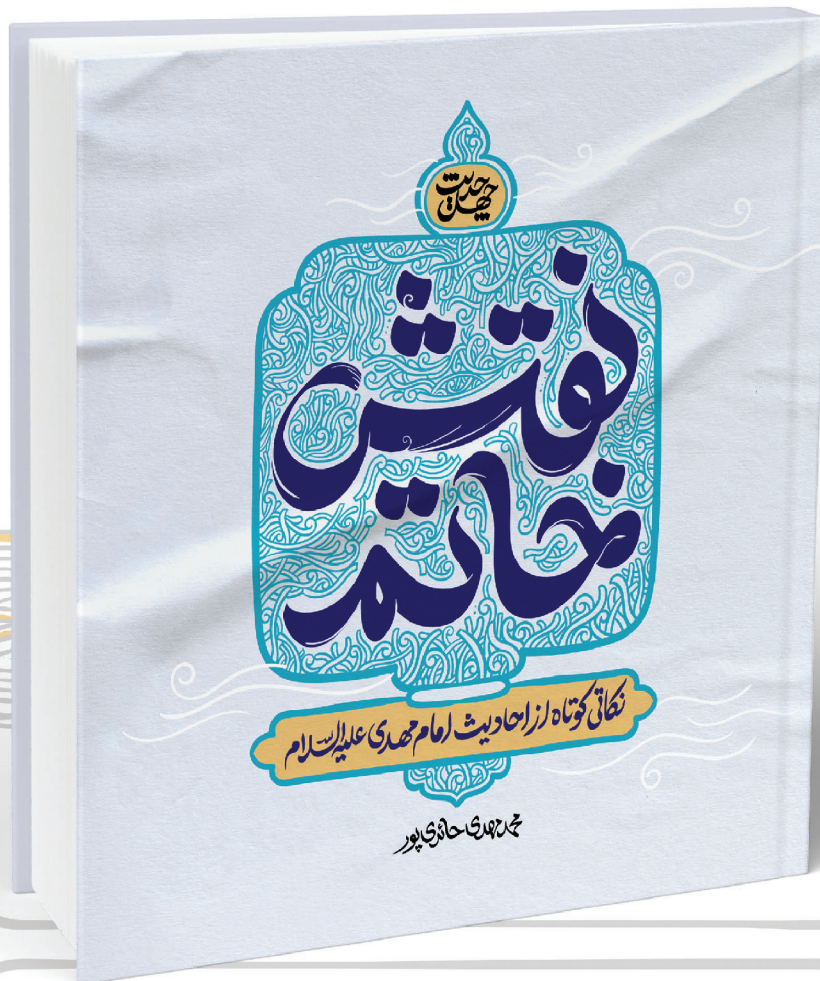
سالروز ولادت یگانه منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عج) مبارک باد
جهت مشاهده و دریافت محتوای مربوط به نیمه شعبان کلیک کنید



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشرف برگزار می کند

مسابقه نقش خاتم

(حفظ و مفاهیم چهل حدیث از امام زمان علیه السلام)



برگزاری آزمون حفظ و مفاهیم به صورت چهارگزینه ای و آنلاین

زمان برگزاری آزمون: ۲۲ فروردین ماه مصادف با عید سعید فطر

شما با مطالعه کتاب و مشاهده پوسترهای احادیث می توانید در آزمون شرکت نمایید.

ثبت نام و اطلاعات بیشتر: @chashmbe_rah mahdaviat.ir

جوایز مسابقه: ۲۰ جایزه ۵ میلیون ریالی



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشرف